5.00
۲/۱

چند صفحه از تاریخ سیاسی ایران :

تاریخ

تحولات سیاسی نظام ایران

از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ هجری شمسی

با ۴۶ تصاویر

تألیف

جهانگیر قائم مقامی

www.KetabFarsi.com

چند صفحه از تاریخ سیاسی ایران :

تاریخ

تحولات سیاسی نظام ایران

از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال ۱۴۰۱ هجری شمسی

با ۴۶ گراور

تألیف

جهانگیر قائم مقامی

www.KetabFarsi.com

چاپ اول
تجدید طبع منوط باجازهٔ مؤلف است

مرکز انتشار :
کتابخانهٔ علی اکبر علمی و شرکاه
تهران

چاپخانه شرکت مطبوعات
خرداد۱۳۲۶

تألیف این کتابرا باستاد معظم وارجمنه
« حضرت آقای اقبال آشتیانی» که حقاً
خود را مدیون آثار قلمی پر بهای ایشان
ومحضر پرافاضاتشان میدانم ، تقدیم مینمایم.
قائم مقامی

www.KetabFarsi.com

یاد داشت

پیدایش فکر تألیف و تنظیم کتاب حاضر که اینك تحت عنوان « تحولات سیاسی نظام ایران » از نظر خوانندگان میگذرد ، از زمستان سال ۱۳۲۳ شمسی است که مؤلف درلشکر ۱۰ خوزستان انجام خدمت میکرد .

در آنروزها بکارنده بمنظور ایرادیك سخنرانی برای افسران لشکر ، این موضوع را اختیار نمود ولی ضمن تهیهٔ اطلاعات و تنظیم آن متوجه گردید که این رشته سر دراز داردوازایراد آن بطور اختصار آنهم در یکی دو جلسه نه تنها نتیجه‌ای مطلوب بدست نمیآید بلکه چون نمیتوان بسیاری از نکات را تشریح و تفصیل نمود و آنگونه که میباید حقایق را از پرده بیرون انداخت ، ایجاد سوء تفاهمات و القاء شبهاتی نیز خواهد کرد ، باین مناسبت از ایراد سخنرانی منظور صرفنظر و موضوع بصفحات آزاد کتابی محول شد تا بتوان آنطور که باید حقایق امررا عریان نشان داد .

اما انجام این تصمیم مستلزم جمع آوری اطلاعات بیشتر ودسترسی بمنابع موثق دیگری میبود که آنهم در اهواز فراهم نمیشد ، بدین ملاحظه فقط استخوان بندی کتاب حاضر مبتنی برهمان اطلاعات ابتدائی و مقدماتی در اهواز تشکیل و نقص آن درسال ۱۳۲۵ که مؤلف بطهران آمد و قراءت بیشتری دست داد با مراجعه بکتابخانه های مجلس شورای ملی و ملی وشخصی مرتفع گردید .

در ضمن این تحقیقات مطلب تازه تری کشف شد و آن مسألهٔ تشکیل پاره‌ای نیروهای نظامی بود که بیگانگان بمیل و بمقتضای مصالح خود روزی در کشور ما بوجود آورده اند و یا خواسته اند بوجود آورند و چون این قوه‌ها و سازمانها نه تنها از طرف اولیای ایران برسمیت شناخته نشده بلکه غالباً مورد اعتراض هم واقع گردیده است جایز نبود از آنها در ردیف عناصر متشکلهٔ قوای تأمینیهٔ ایران گفتگو شود ، از طرفی هم انصاف نبود که از آن مباحث حساس و بسیار جالب که نیات سوء و خود مختاریهای بیگانگان را در کشور ما روشن میکند ناگفته بگذریم .

بدین ملاحظه شرح این نیروها و مؤسسات متجاوزانه و غیر قانونی را در مبحثی جداگانه تحت عنوان « متمم » بکتاب خود افزودیم ، ونیز برای مزید اطلاعات خوانندگان ، بعضی از اسناد مهمه را که در این کتاب بدانها استناد و اشاره شده ولی اصل آنها در دسترس عموم نیست بعنوان ضمیمه بآخر کتاب علاوه کردیم تا مراجعهٔ بآنها

آسان باشد . بعلاوه شروحی جالب از بعض کتب فارسی و فرنگی نقل و به ترجمه کردیم که با خطی خفی چاپ شده و این مطالب ، توضیحات بجائیست برای پاره ای از نکات کتاب که گنجانیدن آنها در متن موجب اطناب کلام میشد و صرفنظر کردن از آنها هم جایز نمیبود و این شروح در حقیقت بمنزلهٔ عباراتی معترضه است که مطالعهٔ آنها بر اطلاعات خوانندگان میافزاید ولی نخواندن آنها در مطالعهٔ فصول کتاب حاضر گسیختگی فراهم نخواهد ساخت .

یك نکتهٔ دیگر که تذکار آنرا لازم میدانم این است که مؤلف در طی این کتاب حتی‌المقدور سعی کرده است علل سیاسی و تحریکات و دسایسی را که در تحولات و سرنوشت‌های مختلف نظام ایران مؤثر بوده بطور صریح و روشن از پرده بیرون اندازد ولی چون تصادفاً بهر رشته‌ای از این ساز که دست میزنیم نغمه‌هایی از ساخته‌های ساحل نشینان تایمز بگوش میرسد که بگوش ایرانیان وطن‌پرست وحساس خوش‌آیند و مطبوع نمیباشد و ما هم همه جا آن نغمات را باصراحت لهجه تجزیه وتحلیل کرده‌ایم شاید بعضی از خوانندگان تصور کنند نگارنده اساس کتاب خود را بر معاکم‌شخصی و مخالفت با سیاست انگلیسی‌ها بنیان گذارده است و حال اینکه اینطور نیست و بهیچ وجه چنین قصدی در میان نبوده بلکه مؤلف خواسته است کتاب خود را کاملا برمبانی قضاوت بیطرفانه استوار سازد منتهی چون دولت انگلستان نسبت بسایر دول بیگانه دارای مصالح و منافع بیشتری در ایران ماست بالتبع سعی میکند همه جا و هرجا ، دخالتی در چرخ اداری کشور ما داشته باشد تا در قبال آن ، بنیان مصالح خود را تحکیم و تامین نماید . این است که درهرمبحث و هرفصل کتاب حاضر عمال انگلیسی‌رامی‌بینیم که دستی در کار دارند و در هر خیمه شب بازی که‌صورت گرفته نخ آنرا بسر انگشت عمال آن دولت بسته می یابیم .

بنابر این اگر خوانندگان ما درهر جای این کتاب دخالتهای انگلیسی‌هارا می بینند و مشاهده میکنند که ما باصراحت‌هرچه‌تمامتر پرده از روی دسایس‌ونیرنگ‌های آنها برداشته ایم نباید حمل برنظر شخصی مؤلف فرمایند .

درپایان‌واجب‌میدانم‌ازآقای کلنل‌اریك کارلبرك *Colonel G. Eric Carlberg* (*) که در عین اشتغال بامورمهمه فیمابین دو کشور ایران و فنلاند و نداشتن وقت، در نهایت گشاده رویی وسعهٔ نظر مدتی از وقت گرانبهای خویش را بتهیه و تنظیم صورتی از اسامی افسران سوئدی ژاندارمری برای‌چاپ درکتاب‌حاضراختصاص دادند صمیمانه شکرگزاری کنم .

---

* — آقای کلنل کارلبرك خود از افسران سوئدی ژاندارمری بوده‌اند که از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ (۱۹۱۲—۱۹۱۵)در خدمت ژاندارمری ایران بوده و فرماندهی هنگ پنجم ژاندارمری قزوین‌را بعهده داشته‌اند .

و همچنین لازم می‌بینم از آقای تفضلی معاون کتابخانهٔ مجلس شورای ملی که چندین مجلد از کتب خطی و نفیس و منحصر بفرد کتابخانه را با بسیاری دیگر از کتابهای لازم برای تألیف این کتاب در نهایت سهولت و گشاده رویی باختیار مؤلف گذارده اند ، ونیز از آقای علی اکبر علمی مدیر و مؤسس کتابفروشی علمی که‌این کتاب هم یکی از صدها نشریه ایست که بسرمایهٔ شخصی ایشان تاکنون انتشار یافته و همچنین از آقای مهدی آذر منصدی انتشارات مؤسسهٔ علمی که تسهیلات بسیاری در چاپ این کتاب فراهم نموده اند ، سپاسگزاری و مراسم حق شناسی خودرا اظهار و ابراز نمایم .

قائم مقامی

تهران – اول خردادماه ۱۳۲۶ شمسی

www.KetabFarsi.com

فهرست مندرجات

صفحه

مقدمه ۲

فصل نخست ـ نخستین سپاه منظم ایران بطرز نظام اروپائی :

۱ ـ قزل باش : ۵

۲ ـ هیأت برادران شرلی : ۶

۳ ـ تشکیلات قشون ایران بعد از آمدن هیأت شرلی : ۹

۴ ـ از صفویه تا قاجاریه : ۱۱

فصل دوم ـ افسران فنقازی در سپاه ایران : ۱۳

فصل سوم ـ هیأت مستشاران فرانسوی :

۱ ـ سپاه ایران در آغاز کار قاجاریه : ۱۵

۲ ـ ایران و رقابت دول اروپائی : ۱۷

۳ ـ معاهدهٔ فین کن اشتاین : ۱۸

۴ ـ هیأت سفارت سرتیپ گاردان : ۲۱

۵ ـ معاهدهٔ تیلسیت : ۲۴

۶ ـ تحریکات انگلیسی‌ها : ۲۶

فصل چهارم ـ افسران انگلیسی :

۱ ـ عهد نامهٔ موقتی : ۳۲

۲ ـ معاهده سال ۱۲۲۷ قمری (۱۸۱۲ مسیحی) : ۳۵

۳ ـ ائتلاف انگلیس و روس : ۴۱

۴ ـ معاهده سال ۱۲۲۹ ایران و انگلیس : ۴۵

فصل پنجم ـ از گلستان تا ترکمانچای :

۱ ـ استخدام افسران فرانسوی : ۴۷

۲ ـ نظام ایران بعد از رفتن افسران انگلیسی : ۴۸

۳ ـ جنگ دوم ایران و روس و افسران انگلیسی : ۵۰

فصل ششم ـ نظام ایران در زمان محمد شاه :

۱ ـ انگلیسی‌ها باز میآیند : ۵۲

۲ ـ نخستین قرار داد روس و انگلیس راجع باستقلال ایران : ۵۴

صفحه

۴ ـ قائم‌مقام وافسران انگلیسی : ۵۴
۴ ـ روسها و نظام ایران : ۵۶
۵ ـ مستشاران انگلیسی از ایران میروند : ۵۸
۶ ـ یکبار دیگر دولت ایران ازفرانسه مستشار نظامی استخدام میکند : ۶۱
۷ ـ تحریکات دو دولت روس و انگلیس برضد مستشاران فرانسوی: ۶۳
۸ ـ حاجی میرزا آقاسی واصلاحات نظامی او : ۶۵
فصل هفتم ـ دارالفنون طهران وامیر کبیر :
۱ ـ تغییرات در نظام ایران : ۶۸
۲ ـ دارالفنون تهران : ۷۰
۳ ـ شاه نسبت بدارالفنون بدبین میشود : ۷۷
فصل هشتم ـ انگلستان از فرستادن افسر بایران خودداری میکند : ۷۹
فصل نهم ـ قشون نمونهٔ اطریشی:
۱ ـ سفر دوم ناصرالدین شاه بفرنگستان : ۸۲
۲ ـ سبب تشکیل قشون نمونه اطریشی : «
۳ ـ دومین هیأت مستشاران اطریشی ، ۸۳
۴ ـ هیأت سوم مستشاران اطریشی : ۸۶
۵ ـ سازمان قشون نمونهٔ اطریشی ، «
۶ ـ انحلال قشون نمونهٔ اطریشی : ۸۷
فصل دهم ـ آلمانیها هم در قشون ایران راه مییابند : ۸۸
فصل یازدهم ـ افسران خارجی مقیم ایران در سال ۱۰ـ۱۳۰۹ـ قمری : ۹۰
فصل دوازدهم ـ لشکر قزاق :
۱ ـ چطور شد سواره قزاق بوجود آمد : ۹۱
۲ ـ علل توسعهٔ تشکیلات قزاق ـ تشکیل آتشبار توپخانه : ۹۶
۳ ـ تشکیل گروهان مسلسل و آتشبار دوم توپخانه: ۹۷
۴ ـ فوج قزاق تبریز : ۱۰۲
۵ ـ قزاقخانهٔ استراباد : «
۶ ـ بریگاد قزاق دیویزیون میشود : «
۷ ـ بودجهٔ سازمان قزاق . ۱۰۶
۸ ـ فکر الغاء امتیاز بریگاد قزاق : ۱۰۷
۹ ـ کودتا در قزاقخانه : ۱۰۹
۱۰ ـ لشکر قزاق زیر نظر انگلیسی‌ها : ۱۱۳
فصل سیزدهم ـ ژاندارمری خزانه :
۱ ـ شوستر واقدامات اصلاحی او: ۱۱۵

صفحه

۲ ـ مسأله استخدام استوکس : ۱۱۷
۳ ـ تکلیف ژاندارمری خزانه معلوم میشود : ۱۲۲
٤ ـ عاقبت ژاندارمری خزانه : ۱۲۳
٥ ـ پروژهٔ ژاندارمری خزانه : »

فصل چهاردهم ـ ژاندارمری دولتی :

۱ ـ پروژه‌های نظامی انگلستان: ۱۲۵
۲ ـ یك سند دیگر: ۱۲٦
۳ ـ اشپاتوم انگلیسی‌ها . ۱۲۷
٤ ـ تصویب لایحهٔ ژاندارمری ۱۳۰
٥ ـ مسأله استقراض : »
٦ ـ مخالفت روسها با تشکیل ژاندارمری : ۱۳۲
۷ ـ بالاخره ژاندارمری تشکیل شد : ۱۳٤
۸ ـ یك فقره قرض دیگر : ۱۳٦
۹ ـ روسها میخواستند سازمان ژاندارمری کوچك شود : ۱۳۹
۱۰ ـ بودجه ژاندارمری : ۱٤۰
۱۱ ـ انگلیسی‌ها و ژاندارمری : ۱٤۱
۱۲ ـ انگلیسی‌ها برای افسران سوئدی کارشکنی میکنند : ۱٤۲
۱۳ ـ سوئدیها خود را از انگلیسی‌ها کنار میکشند . ۱٤۳
۱٤ ـ « آقایان جنوب » : ۱٤۹
۱٥ ـ افسران سوئدی از ایران میروند : ۱٥۱
۱٦ ـ توقیف جنرال قونسول شیراز : ۱٥٤
۱۷ ـ مهاجرت : ۱٥٥
۱۸ ـ ژاندارمری بعد از سال ۱۳۳٤ قمری . ۱٥٦
۱۹ ـ افسران سوئدی : ۱٥۷

فصل پانزدهم ـ بریگاد مرکزی : ۱٦۰

فصل شانزدهم ـ قشون متحدالشکل :

۱ ـ پیدایش فکر قشون متحدالشکل : ۱٦۲
۲ ـ قرارداد ۱۹۱۹: ۱٦٥
۳ ـ مادهٔ نظامی قرارداد ۱۹۱۹ : ۱٦٦
٤ ـ انگلیسی‌ها میخواستند «بل» بگیرند : ۱٦۹
٥ ـ اخراج افسران روسی قزاقخانه : ۱۷۱
٦ ـ قدم سوم : ۱۷٦

صفحه

۷ ـ انگلیسی‌ها ورق را برمیگردانند : ۱۷۸
۸ ـ وضع نظام ایران مقارن با وقوع کودتا : ۱۷۹
۹ ـ کودتای سوم اسفند : ۱۸۰
۱۰ ـ بریگاد مرکزی جزء دیویزیون قزاق میشود : ۱۸۱
۱۱ ـ یك ابهام تاریخی : »
۱۲ ـ سردار سپه وزیر جنك میشود : ۱۸٤
۱۳ ـ ژاندارمری هم تابع وزارت جنك میشود : ۱۸۵
۱٤ ـ سردارسپه برای مقصودخود... : ۱۸٦
۱۵ ـ یك رنك دیگر : ۱۸۸
۱٦ ـ پلیس جنوب منحل میشود : »
۱۷ ـ فرستادن معصل بارویا : ۱۹۰
۱۸ ـ ژاندارمری هم در قزاقخانه تحلیل رفت : ۱۹۱
۱۹ ـ نطق سردار سپه وزیر جنك : ۱۹۲

فصل هفدهم ـ نیروی دریایی ایران : ۱۹۵
نیروی بحری نادرشاه :
انگلیسها با تشکیل نیروی دریایی در خلیج فارس موافقت میکنند : ۱۹۷
سلب حاکمیت ایران در دریای خزر : ۱۹۸
ناصرالدین شاه نیروی بحری تشکیل میدهد : ۱۹۹
نیروی دریایی ایران تشکیل میشود : ۲۰۰

متمم کتاب ـ نیروهای نظامی که بیگانگان بمیل خود در ایران بوجود آورده‌اند:
یاد داشت ۲۰٤
۱ ـ یك نیروی محرمانه ـ نقشهٔ محرمانهٔ انگلیسی‌ها : ۲۰۵
۲ ـ پلیس جنوب ـ ازایجاد تاانحلال آن ۲۰۷
۳ ـ پلیس غرب : ۲۳۰
٤ ـ یك نیروی چریك . ۲۳۳
۵ ـ یك قوهٔ نظامی دیگر که بنیان نگرفت . ۲۳۵

ضمائم کتاب :
۱ ـ عهد نامهٔ سال ۱۲۲۷ ایران و انگلیس : ۲۳۸
۲ ـ قرارداد استخدام افسران روسی بریگاد قزاق . ۲٤۲
فهرست مآخذ و منابع تألیف کتاب : ۲٤۵

www.KetabFarsi.com

فهرست گراورها

	صفحه
رابرت شرلی در لباس قزلباش	٦
سرآنتونی شرلی	٩
شاه عباس کبیر (کار یکی از نقاشان فرنگی)	١٠
هیأت نمایندگان فرانسه	٢٠
سربازان ایرانی در زمان فتحعلیشاه	٢٤
سرتیپ کاردان در حضور فتحعلیشاه	٣١
سرجان‌ملکم	٣٤
فتحعلیشاه	٣٦
یك افسر و یك سرباز ایرانی	٤٨
شاهزاده عباس‌میرزا ولیعهد	٤٩
میرزا ابوالقاسم قائم مقام صدر اعظم محمد شاه	٥٥
حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم محمد شاه	٦٦
میرزا تقیخان امیر کبیر	٧٠
پروسکی لهستانی آجودان وزارت جنك	٧٧
ناصرالدین شاه	٨٤
کلنل کاساکوفسکی	٩٥
کلنل چرنوزوبوف	٩٧
محمد علیشاه	٩٩
کلنل لیاخوف	١٠٠
احمد شاه وعده ای از افسران قزاقخانه	١٠١
سان قزاقخانه در میدان‌مشق	١٠٣
سپهسالار و ژنرال باراتوف و سفیر روسیه در طهران	١٠٤
محمدولیخان سپهسالار تنکابنی	١٠٥
حشمت الدوله وزیر جنك و سه نفر از مأمورین روسی	١٠٨
افسران روسی قزاقخانه ورضا خان سرهنگ	١١٠
سردار بستار وسلسکی وعده‌ای از افسران قزاقخانه	١١٣
مورگان شوستر امریکائی	١١٩
یك افسر جزء ژاندارمری (نمونه لباس)	١٣٦

	صفحه
یك افسر ارشد ژاندارمری (نمونه لباس	۱۳۸
متن نامه کلنل مریل امریکائی بماژور اکونور	۱٤٤
نامه سروالتر تونلی بماژور اکونور	۱٤٥
نامه کلنل نوکس بسروالتر تونلی	۱٤۷
نامه دیگر از کلنل مریل بماژوراکونور	۱٤۸
نامه سفیر انگلیس بماژور اکونور	۱٥۲
نامه دیگر ازکلنل مریل امریکائی بماژوراکونور	۱٥۳
مستوفی الممالك	۱٦۳
وثوق الدوله	۱٦۷
صاحبمنصبانژاندارمریوقزاقخانه دراردوی مختلط	۱۷۰
مشیرالدوله (حسن پیرنیا)	۱۷۲
رضا خانمیر پنج	۱۸۰
عده ای از وزرای کابینهٔ سید ضیاء الدین	۱۸۳
سلطان احمد شاه ووزرای کابینهٔ قوام السلطنهٔ	۱۸۷
سردار سپه وزیر جنك	۱۸۹
سلطان احمد شاه و ولیعهد اودر لباس متحدالشکل سردار سپه	۱۹۱
عده ای از افسران و سربازان قزاقخانه و ژاندارمری	۱۹۳
کابینهٔ سید ضیاء الدین	۲۰۳

www.KetabFarsi.com

تاریخ

تحولات سیاسی

نظام ایران

www.KetabFarsi.com

مقدمه

ایجاد وتشکیل «ارتش» در هر کشور ، اساساً بمنظور حفظ مصالح عالیهٔ آن کشور است ولی درمورد نظام ایران باید باین حقیقت تلخ معترف بود که پیدایش ارتش های منظمی که درمملکت ما بوجودآمده است متاسفانه غالباً بمقتضای مصالح بیگانگان بوده و تحولاتی هم که در ادوار مختلف برای آنها حاصل شده معلول همان مقتضیات سیاسیست که خارجی ها بخاطر حفظ مصالح ومنافع خود درکشور ما اعمال نموده اند و این مسأله باب جدیدی در تاریخ نظام ایران باز کرده‌است که در تاریخ نظام سایر دول نمیتوان یافت زیراتحولات ارتشهای دول بیگانه بطور کلی معلول نظریات پادشاهان و دولتهای وقت برای حفظ امنیت و یا بمنظور جهانگشایی هائی بوده و نظام ایران از این لحاظ تا آغاز قرن یازدهم هجری بیشتر با نظام سایر دول شباهت ندارد و از ابتدای قرن یازدهم هجری (از سال ۱۰۰۶ قمری مطابق با ۱۵۹۸ مسیحی) ببعدد علل تحولات آن تغییر کلی می بینیم ، چه از این زمان است که ایران رفته رفته مطمح نظرهای مختلف خارجی ها شده وسیاست بیگانگان موجبات اغلب تطورات تاریخ ایران را که تحولات نظام را هم در برداشته فراهم ساخته است . ولی این گونه سیاستها که بتواند موجب تحولاتی در نظام ایران شود ، تا تاریخ روی کار آمدن خاندان قاجار کمتر اعمال گردیده و بهمین مناسبت هم در نظام این ادوار ایران کمتر تحولی سیاسی دیده میشود ولی چون سلسله سلاطین قاجار بنیان میباید ، ایران و تاریخ ایران هم رنك دیگری میگیرد زیرا در طی دوقرن گذشته بمرور بر مطامع و نفوذ بیگانگان افزوده شده بود و حصول آن مطامع و استقرار آن نفوذ ایجاب میکرد که سیاست صاحبان نفوذ با شدتی بیشتر اعمال شود واین بکار رفتن شدید سیاست دول اروپائی ، تحولات بسیاری در کلیه شئون اداری و اجتماعی مملکت ما فراهم ساخت که ارتش را نیز سهم بزرگی از آن نصیب گردید بقسمی که بندرت تحولی درنظام این ایام میتوان یافت که معلول اعمال سیاست ونظرخارجیها نباشد .

شرح این گونه تحولات نظام ، موضوع کتاب حاضر است .

تحولات نظام ایران را از یك نظر دیگرهم میتوان مورد مطالعه قرار داد و آن ازنظر تشکیلات اداری است که شامل چگونگی وضع سازمانها ، سلاحها ، لباس واستعداد نظامی خواهد بود و تاریخ این تحولات نظام ایران هفدهم با تاریخ دوهزاروششصدساله

ایران میباشد و تر کیب این دو مبحث تاریخ کامل نظام ایران را تشکیل میدهد .

در خصوص این مبحث اخیر ، غالب اروپائیانی که یا در خدمت دربارهای ایران بوده‌اند ، یا بمأموریت های مختلف و یا برای سیاحت بایران آمده‌اند بتفاوت شروحی در کتابها و سفرنامه های خود نوشته اند و نیز یك جلد تاریخ نظامی ایران تألیف تیسار مرتیب مقتدر و دو مجلد دیگر تألیف آقای جمیل دوزانلو که نسبتاً از اولی مفصلتر است نموداری از مجموع این تحولات را از قدیمترین ازمنه تاریخ ایران ، تا قرن معاصر حاوی میباشد . بعلاوه دوست عزیز من آقای ستوان یکم مسعود معتمدی هم کتابی مفصل در همین موضوع در دست تألیف دارند که البته در جای خود بسیار قابل ارزش است و بیشتر بکار نظامیان و افسران خواهد خورد .

اما کتاب ما منحصراً متضمن شرح تحولاتی از فنون ایران است که با پیدایش آنها معلول اعمال سیاست خارجیهاست ویا سیاست بیگانگان در آنها تأثیراتی نموده و با این زمینه بحث ما از ابتدای قرن یازدهم هجری یعنی از سال ۱۰۰۶ هجری نظامی یا ۱۵۹۸ مسیحی هنگام سلطنت شاه عباس صفوی شروع میشود که روابط اروپائیان با ایران رو بفزونی بوده ؛ بنابر این کتاب ما شامل سه قرن تاریخ تحولات سیاسی نظامی ایران خواهد بود .

خواننده در طی این کتاب می بیند که هر روز بمقتضای سیاستی سپاهی بوجود آمده ، بنیانی گرفته ، رونقی یافته ، تکامل آن با مخالفت‌های دولت‌های دیگری که تشکیل آن نیرو بمقتضای مصالح آنها نبوده ، مواجه شده عاقبت هم بر اثر همان مخالفتها از بین رفته است . و نیز درسیر تاریخ این سه‌قرن ملاحظه میکند که هربچند زمان ، عده‌ای از معلمان نظامی و افسران بیگانه بعنوان مستشار برای تنظیم وتعلیم نظام باصرف مخارج گزاف بایران دعوت شده اند ، چند صباحی بکار تعلیم و تربیت سربازان ایرانی مشغول بوده اند ، آن ها را بمیل خود مانند مهره های شطرنج در عرصهٔ مقتضیات امیال خویش چیده اند و در خلال این مدت ، نفوذ دولت متبوع خود را در ایران توسعه داده اند ولی هنوز نفوذ آنها بنیانی نگرفته و مبانی مصالحشان تحکیم نشده ، ورق برمیگردد و در این صفحه جدید آنچه دیده وخوانده میشود فقط کار شکنی و افساد است و بسیسه و تحریکات که آخر منجر بازگشت آن عده مستشاران میشود و یا بانحلال آن سازمان خاتمه میابد . و باز دیده میشود که سرباز ایرانی روزی با بیم نه‌آبی فرانسوی ملبس است ؛ فردای آن روز در نیم تنه سرخ انگلیسی خود نمائی میکند ؛ گاهی در قبای فراخ قزاق روسی و موقعی هم در لباس تنگ و فشرده ژاندارم سوئدی بنظر می‌آید ؛ سرانجام هم از این همه تحول و تطور جز زبان و زحمت برای دولت ودربار ایران حاصلی بدست نیامده است زیرا بیگانگانی که در چرخ اداری کشور ما و این تحولات دست داشته اند در رأس آن ها دولتین روس و انگلیس را باید نامبرد .

. خواسته‌اند کشور ایران دارای سپاهی ... رسته و مقتدر باشد تا مبادا روزی مزاحمت ... ها را فراهم سازد .

این است خلاصه تاریخ تحولات نظام و قشون های منظم ایران که ازآغازقرن یازدهم (۱۰۰۶) هجری شروع میشود و ما شرح آن را بسال ۱۳٤۱ شمسی) ختم میکنیم که قوای رنگارنگ و مختلف ایران یك کاسه شده و قشون متحدالشکل بوجود آمده است و « ارتش » امروزی ما همان میباشد که هر روز احتیاجاتی توسعه یافته و یا بجهات دیگری کوچك شده‌است ، و چون دراین تحولات که فقط جنبه‌سازمانی دارد علل‌سیاسی‌دخالت نداشته ما هم ازشرح تاریخ بیست‌وپنج‌ساله‌اخیر قشون ایران صرف نظر میکنیم .

بنابر این کتاب حاضر شامل سیصد وسی وپنج سال‌تاریخ تحولات سیاسی قوای تأمینیه‌ایران می‌باشد .

جهانگیر قائم مقامی

www.KetabFarsi.com

فصل نخست

نخستین سپاه منظم ایران بطرز نظام اروپائی

۱ـ قزل باش:

حمله عرب بایران ، نه تنها اساس سلسله ساسانیان و عظمت ایران را بر هم زد ، بلکه در قالب شئون اداری و اجتماعی ایران هم تحولات و تغییراتی حاصل نمود ؛ در پاره ای سبب اضمحلال ، و بعضی موجب تکامل و در برخی باعث بلا تکلیفی و معلق ماندن شد .

یکی از اموری که حمله عرب سبب بلا تکلیفی آن گردید ، نظام پران بود که با انقراض خاندان ساسانی ، آن نظم ثابت و دائمی که بمرور هم سر و صورتی یافته بود ، بکلی متلاشی شد ومدت نه قرن یعنی تا زمان پیدایش سلسلهٔ صفوی ، بلاتکلیف و معلق ماند . در طی این نه قرن کشور ایران بطرز ملوك الطوایفی اداره میشد ـ گاهی زیر پنجهٔ سلجوقیان ، زمانی در اختیار مغول ها و مدتی بدست تیموریان بود و در خلال این احوال خاندانی نیز در گوشه و کنار مملکت فرمان روائی و حکومت یا بقول خودشان سلطنت میکردند و هر کدام بر حسب تمایلات و نظرهای خود، سپاهی ترتیب میداد که اطلاعات صحیح و روشنی از وضع آنها در دست نیست ، بعلاوه تحقیق و تفحص در باره آنها هم موضوع تاریخ تشکیلات و سازمان های ایران است .

وضع نظام ایران ، تا پیدایش سلسله صفوی (۹۰۵ قمری) بدین نحو بود . چون خاندان صفوی روی کار آمد ملوك الطوایفی ایران و بلاتکلیفی نظام آن ، خاتمه یافت و با ایجاد وحدت حکومت ، وحدت نظام هم حاصل گردید .

قشون ایران ،در اوایل روی کار آمدن صفویه عبارت بود از شصت هزار نفر سوار محلی که بمناسبت کلاه سرخشان بکلاه سرخها و در زبان ترکی ، بقزل باش معروف شدند و این عده از هفت طایفه بزرك ، شاملو ، تکلو ، استاجلو ، ذوالقدر ، افشار ، قاجار و بهارلو ترکیب میافتند .

« ... شاه اسماعیل دسته سپاهی از ترکان فرقه خویش گرد »
« آورد که چون کلاه سرخ بر سر میگذاشتند ، ایشان را »
« ،،قزل باش ،، یا سرخ‌سر نام نهاده بود . این کلاه سرخ را »
« ایرانیان تاج میگویند و نشانی از سرداری و نجابت است .»
« قزل باشان بر دو نوعند : یکی آنان که این مقام را ازپدر»
« بارث برده اند و از اخلاف قزل باشان نخستین دوره شاه »
« اسماعیل اولند و مقام قزل باشی درخانواده ایشان موروثی است »
« دیگر آنان که از طرف شاه بمقام قزل‌باشی میرسند . غلامان»

« شاه از هر ملت و نژادی که باشند چون در ایران اقامت »
« گزیدند و بخدمت لشکری در آمدند قزل باش میشوند و در »
« زمرهٔ نجبای مملکت در می آیند . گاهی نیز شاه این‌مقام‌را »
« به بیگانگان هم که طرف مهر و لطف مخصوص او باشند »
« عطا میکند و با اعطای تاج ایشان را بعنوان قزل باشی مفتخر »
« میسازد . اما چنین مکرمتی بسیار نادر است و من از مرد »
« مطلعی که پانزده سال در ایران بسر برده است شنیدم که در »
« این مدت شاه فقط یکتن از اتباع بیگانه را باعطای تاج »
« مفتخر ساخته است . این‌امر تشریفات مخصوصی ندارد جزاینکه »
« شاه با ادای عبارات محبت آمیز تاج را خود بر سر وی »
« می نهد . »

(از تاریخ روابط ایران واروپا دردورهٔ صفویه صفحه ۱۲۶-۱۲۷ بنقل‌ازسفرنامه پی‌یترودلاواله *Pietro della Valle* ایتالیائی معاصر با شاه عباس .)

هر طایفه از هفت طایفه مذکور بخرج و فرماندهی رئیس خود اداره‌میگردید و بهمین علت ، روز بروز بر نفوذ رؤسای قزل باش افزوده میشد و این مسأله ، امنیت مملکت و قدرت سلطنت را در مخاطره می افکند . بدین ملاحظه ، شاه‌عباس بفکر افتاد بمنظور کاستن نفوذ رؤسای قزل باش ، قشون دیگری مخصوص خود تشکیل دهد و برای این کار عده‌قزل باشان را ازمیزان‌شصت‌هزار نفر کم کرد و در مقابل نیروئی مرکب از بیست هزار تن سوار و دوازده هزار تن پیاده ترتیب داد که بنام شاه‌سون یعنی دوستدار شاه خوانده شدند .

رابرت‌شرلی درلباس قزلباش

۲ـ هیأت برادران‌شرلی :

شاه عباس رفته رفته ، ضمن جنگ هائی که باعثمانیها میکرد دریافت با داشتن نیروئی مسلح بتیر و کمان و شمشیر موفق نخواهد شد بر دشمن فائق آید ، ناگزیر بفکر تجدید وضع نظام وتشکیل نظامی جدید بوضع اروپا افتاد و این‌فکر بر اثر رفت وآمد سیاحان اروپائی تقویت گردید .

در سال ۱۰۰۶ هجری (مطابق با ۱۵۹۸مسیحی) سرآنتونی شرلی(۱) از نجیب زادگان انگلستان با هیاتی مرکب از ۲۵ نفر دیگر بایران آمد . ازجمله همراهان او یکی برادرش رابرت شرلی (۲) بود و دیگری سروان پاول (۳) که چندی بعد از جانب جیمز اول (٤) پادشاه انگلستان بمقام شوالیه نایل شد و نیز یکنفر توپچی که در کار توپریزی مهارت بسیار داشت .

این هیأت انگلیسی گرچه بظاهر از طرف دولت انگلیس رسمیتی نداشته و آنتونی شرلی بر حسب میل شخصی خود بایران آمده بود ، اما با درنظر گرفتن اینکه در این اوان دول مسیحی برضد امپراطوری عثمانی که در این زمان از دول بسیار مقتدر محسوب میشد ، اتحادیه‌ای تشکیل داده بودند وازطرفی دولت ایران هم تنها حریف مقتدر عثمانی‌ها درآسیا میبود، نمیتوان آمدن این هیأت‌را بنابر مقتضیات سیاست انگلستان و بدستور آن دولت ندانست و تصور کرد هیاتی مرکب از ۲٦ نفر که اعضای آن غالبا از دانشمندان و صنعتگران و کارشناسان فنون مختلف بالاخص فن نظام بوده‌اند ، فقط بصرف « دستبوسی و فدا کردن جان خود در محاربات شاهانه » شاه عباس آمده باشند بلکه بعکس بایدیقین داشت اعضای این هیأت مأموریت داشته‌اند قوای ایران را بسبك نظام جدید اروپا تربیت نموده بجان عثمانیها بیندازند (٥)

این است که نگارنده معتقد است تشکیل نظام جدید ایران در زمان صفویه هم علت سیاسی داشته و این تحول را باید مقدمه دیگر تحولات سیاسی نظام ایران بشمار آورد ولی چون مدارك و اسنادی در این مورد در دست نداریم ، بیشتر از این درعلل آمدن هیأت مزبور صحبت نمی کنیم . (٦)

---

۱ - *Sir Antony Shirley*

۲ - *Robert Shirley*

۳ - *Powel*

٤ - *James* .

٥ - جارج منوارینك *Jcorge Manwaring* که از همراهان سر آنتونی شرلی بوده در شرح ورود خودشان بقزوین و طرز پذیرائی حاکم آنجا مینویسد : « سرآنتونی شرلی گفت من برای گدائی بخدمت پادشاه شما نیامده ام ، بلکه شهرت نام ورشادت او مرا بدینجا آورده است ، میخواهم بدیدار او نائل شوم و دست او را ببوسم و جان خود را در محاربات شاهانه اوفدا سازم» (ص ۱۲۰تاریخ روابط ایران واروپا) .

٦ - مؤلف تاریخ روابط ایران واروپا مینویسد : « کنت دسکس *Comte d' Essex* باو (یعنی بسر آنتونی شرلی) تکلیف کرد که بایران آید و شاه عباس را بجنك با دولت عثمانی و اتحاد با ممالك اروپا بر ضد آن دولت بر انگیزد وهمچنین برای تجار انگلیسی از وی امتیازات خاصی تحصیل کند . » (ص ۱۱۸- وکتاب روابط ایران با اروپای غربی در زمان صفویه طبع پاریس ص ٥٨) و این کنت دسکس ازرجال بزرك و سیاسیون مبرز آن زمان انگلستان بوده .

(بقیه در صفحه ۸)

خلاصه ، برادران شرلی و هیأت آنها بهر نظر و مقصودی که بود ، در تربیت و تعلیم سپاهیان ایران ، اقدامات بسیار ومساعی جمیله بکار بردند و بر اثر مساعی و زحمات آنها کارخانهای توپ ریزی واسلحه سازی در اصفهان دائر شد و این کارخانها تا سال ۱۲۲٤ قمری (۱۸۰۹ مسیحی) هم که دومین هیأت افسران انگلیسی بایران آمدند دائربود ونیز در نتیجه مجاهید آنها قشون ایران مسلح باسلحه های آتشین گردید و در تشکیلات سپاه هم تغییرات و تحولاتی رخ نمود .

سر آنتونی شرلی ،بزرودی در دربارشاه عباس اهمیت و مقامی احراز کرد بقسمی که بسفارت از جانب دربار ایران بدربارهای اروپا روانه شد و او درسال ۱۰۲۰قمری (۱٦۱۲ مسیحی) موقعی که از لندن باز میگشت یکی از افسران انگلیسی را موسوم بسروان طماس (۱) برای تعلیم افواج سواره شاه عباس باخود بایران آورده .

بدین نحو نخستین قشون ایران بطرزنظام اروپائی توسط مستشاران انگلیسی بوجود آمد (۲)وموجب خوف و هراس امپراطوری عثمانی شد . لرد کرزن(٤) در کتاب خود موسوم به « ایران و مسأله ایران » (۳) در این مورد از قول یکی از نویسندگان که معاصر شاه عباس بوده چنین مینویسد :

(بقیه ازصفحه۷)

ولی جارج منوارینك علت و جهت آمدن بایران را نحو دیگر نوشته است . او مینویسد : « ... هنگامیکه ما در شهر و نیزبودیم اتفاقاً سر آنتونی شرلی با تاجری ایرانی که برای خریدن بعضی از امتعه اروپائی مانند ماهوت انگلیسی و پارچه های پشمی و کتانی وامثال آن ازجانب پادشاه ایران بدانجا آمدهبود ، آشنا شد واین تاجر از شوکت وجلال پادشاه خود چنان تعریف کرد که سر آنتونی را شیفته ایران ساخت ولی باز خیال سفر ایران درسرنداشت اما در همین اوان سیاح معروفی موسوم به آنجلو *Angelo* که همان ایام از ایران آمده بود از سر آنتونی دیدار کرد و بقدری از عظمت و رشادت پادشاه ایران وجهانبانی او نسبت باروپائیان سخن گفت که سرآنتونی مصمم شد بایران سفر کند . » (ص ۱۱۸ تاریخ روابط ایران و اروپا) همین شرح میرساند که آنتونی شرلی قبلا فکر آمدن بایران را درسرداشته که با مسافران ایران تماس میگرفته است .

۱ - *Thomas*

۲ - لرد کرزن در این خصوص نوشته است : « ... اگر شخصی بدقت تامل نماید می بیند که قشون ایران در ابتدا از اهالی انگلستان رسوم و قواعد جنك را آموخته اند و بدین واسطه امتنان زیاد از آنها باید داشته باشند . » (نسخه خطی ترجمه ایران و مسأله ایران - کتابخانه مجلس) .

۳ - *Persia and The Persian Question*

٤ - *Lord Curzon*

« دولت مقتدر عثمانی که تمام اهالی فرنك از او خائف اند اکنون بواسطه رلی روی بتنزل نهاده است . چون این شخص قشون ایران را که دشمن بزرك این دولت مقتدر میباشد، قواعد جنك آموخته و آنها را از وضع شناختن حربه های آتشی و

سرآنتونی شرلی

استعمال آن در مورد جنك مطلع کرده است ومعلوم است که بدین واسطه چقدر از قدرت وشوکت عثمانی کاسته شده . » (۱)

۴ ـ تشکیلات قشون ایران بعد ازآمدن هیأت شرلی

بر اثر توجه شاه عباس و مساعی برادران شرلی قوای نظامی ایران بشکل زیر

---

۱ ـ ایران ومسأله ایران نسخه خطی ترجمه فارسی .

در آمد : (۱)

الف ـ سوار نظام مرکب از سه قسمت :

شاه عباس کبیر ـ (کار یکی از نقاشان فرنگی درزمان او اصل این تابلو درموزهٔ «بی تا کرتك جدیدمونش» است)

۱ ـ قزل باش که شرح آن در پیش مذکور افتاد .

۲ ـ قوللر مرکب از غلامان گرجی و ارمنی و چرکسی و داغستانی و سیاه واین غلامان از کودکی به دربار سلطنتی وارد شده و همانجا برای فداکاری نسبت بشاه وقت ، تربیت می‌شدند و حقوق ایشان از خزانه دولتی تأدیه میگردید وعده آنها در حدود پانزده هزار نفر و اسلحه ایشان عبارت از تیر و کمان و شمشیر وتبرزین وتفنگ فتیله‌ای بوده است . فرمانده این دسته سواران را قوللر آقاسی میگفتند .

۳ ـ تورچیلر که گارد مخصوص سلطنتی بوده اند و فرمانده آنها را تورچی ـ باشی میخواندند .

ب ـ پیاده نظام .

این صنف را درزمان صفویه تفنگچیلر مینامیدند واین عده همانهائی هستند که توسط اعضای هیأت شرلی بسبك نظام جدید اروپا تربیت و تعلیم یافتند . تعداد آنها بالغ بر بیست هزار نفر بود ، رئیسان را تفنگچیلر باشی میخواندند وسلاحشان تفنگهای فتیله ای ساخت کارخانه‌های اصفهان بوده وحقوقشان از خزانه دولتی پرداخته میشد .

۱ـ شوالیه شاردن فرانسوی هم درجلد دوم سفرنامه‌خود شرح مبسوط ومفصلی از نظام ایران وتقسیمات آن در زمان شاه عباس نوشته‌است . (رجوع شود بصفحات ۲۲۰ تا ۲۳۲ جلد ۲)

ج ـ توپچیان (۱)

عده افراد این صنف در حدود چهار هزار نفر و تعداد توپی که داشته‌اند ، تقریباً پانصد عراده بوده است .

د ـ تفنگچیان .

این عده مامور حفظ انتظامات و تأمین طرق و راه‌ها ، هنگام اردوکشی ها بوده اند و از این صنف که از صنوف مخصوص دوره صفویه است در سال های بعد اسمی و اثری نمی بینیم . فرمانده این دسته را تفنگچی باشی میگفتند .

۴ ـ از صفویه تا قاجاریه .

سلسله سلاطین صفویه براثر حمله افغانها برافتاد (۱۲ محرم سال ۱۱۳۵قمری) و چند صباحی‌هم این گروه بر ایران حکمروائی کردند تا اینکه نادر شاه ظهور کرد و بساط قدرت و حکمروائی افغانها را از ایران بر چید (۱۱۴۴ قمری) .

قشون ایران در این ایام دیگر آن تشکیلات زمان‌صفویه نبوده زیرا بر اثر تحولات گوناگون و هرج ومرج های داخلی ، بکلی برا کنده و اساس آن متلاشی شده بود ، فقط عده قلیلی از آنها در نتیجه مساعی نادرشاه متمرکز گردیده بودند که اساس قشون مقتدر ومعظم او را تشکیل دادند و این همان سپاهی است که گاهی آنها را درراه هندوستان تاپشت بوار دهلی میبینیم وزمانی درترکستان وماوراء جیحون و هنگامی در سواحل عمان و مسقط ، ایامی هم درکوهستانهای قفقاز وگرجستان مشاهده میکنیم که همه جا میخواهند عظمت ومجد ایران‌را تثبیت وتحمیل نمایند .

در این ایام ، نظام ایران باعواملی سیاسی مواجه نشده فقط در مورد نیروی دریایی که نادرشاه بتشکیل آن مبادرت کرد سیاست بیگانگان‌دخالت‌هائی کرد که ازآن در فصل هفدهم همین کتاب بتفصیل صحبت خواهیم کرد .

بعد از قتل نادر شاه (۱۱۶۰ قمری) و انقراض خاندان او همین‌سپاه ورزیده و زحمت کشیده او قشون پادشاهان زندیه راتشکیل داد و مدتها نظم و امنیت ایران‌را حفظ مینمود .

در این زمان قشون ایران یك قشون بتمام معنی عادی بود که اگر تغییراتی هم در آن حاصل شده فقط معلول نظریات پادشاهان و زمامداران وقت بوده است و بعد از این تاریخ بزمان قاجاریه میرسیم که زمینه صحبت در این ایام بسیار فراخ‌است و در مورد تحولات‌نظام ایران گفتنیهای‌بسیار مربوط‌باین سنوات داریم که جزء اعظم کتاب‌ما را همانها تشکیل میدهد .

---

۱ ـ کلمه «توپخانه» که امروز بغلط بصنف توپچی ها در نظام اطلاق‌میشود بمعنی انبار و مخازن توپ و ادوات‌مربوط بآن‌است وتا اواسط زمان قاجاریه هم بهمین مفهوم استعمال میشده و این صنف نظامی را توپچی وتوپچیها میخواندند. بدین ملاحظه ما هم از استعمال این کلمهٔ غلط خود داری میکنیم .

فصل دوم

افسران قفقازی درسپاه ایران

کریم خان زند در سال ۱۱۹۳ در گذشت وبا مرگ او باز هرج ومرج ایران شروع شد . از یکطرف جانشینان او با یکدیگر بخصومت برخاستند و ازطرفی آقا محمد خان قاجار بازای یك عمر اسارت در دربار کریم خان باقشونی که فراهم‌ساخت بادعیه سلطنت بتاخت و تاز پرداخت .

وضع سپاه ایران در این زمان همان است که در سالهای قبل وده و دیدیم ولی سرهنك دورویل(۱) فرانسوی که چندسال پس‌ازاین‌تاریخ یعنی‌هنگام‌مصالحه گلستان(سال ۱۲۲۸ قمری) در قشون ایران بوده در سفر نامه خود از یك‌تحول سپاه زمان‌آقا محمد خان (از۱۱۹۳ تا ۲۱ ذی حجه ۱۲۱۲ قمری) ذکری میکند که از آن واقعه در تاریخ نظامی ایران تألیف‌آقای جمیل قوزانلو هم‌شرحی میبینیم ونگارنده جز در این دو کتاب جای دیگر از این تحول ذکری نیافته است ولیکن درمسطورات این‌دو کتاب هم اختلافاتی است وبهمین‌ملاحظه متن عبارات هردو کتاب رابمنظور مطابقت واستنتاج در اینجا ترجمه ونقل میکنیم .

سرهنك گاسپار دورویل در سفرنامه خودمینویسد : (۲)

« چندی قبل از مرگ او (یعنی آقا محمد خان) چندین نفر از مهاجرین‌روسی بایران آمدند و بتشویق احمدخان بیگلربیکی تبریز با ست افسری بتعلیم قواعدنظامی اروپا در قشون ایران پرداختند و چندین گردان ناقص توسط آنها تشکیل یافت ولی پایی نگرفت . »

وآقای جمیل قوزانلو در شرح وقایع سال ۱۱۹۳ چنین نوشته (۳) :

«درشهرقزوین‌ازبرای تشکیل‌ارتش بطرزاصول‌جدید ، اردوگاه‌بزرگی برپاشد . شانزده نفرافسری که‌از اهالی‌قره باغ ونخجوان ودراین اواخر از ارتش‌روس خارج شده و بایران مهاجرت کرده بوده‌اند ازبرای‌تنسیق‌قشون مأمور گشتند. دراوائل‌سال ۱۱۹٤ قمری مقدمه این اردو تشکیل شد . »

---

۱ - *Colonel Gaspard Drouville.*

۲ - ص ۹٤تا۹۵ ج ۲

۳ - ج ۲ ص ٦۸۰

نکته‌ای که دراینجامورد تردیداست تاریخ واقعه‌است که مؤلف تاریخ نظامی بدست داده و سرهنك دوزویل از آن ذکری نکرده چه در کتاب آقای جمیل قوزانلو غالباً سنوات و تاریخ وقایع اشتباهاً ضبط شده است و ما هم در مورد این تاریخ نمیدانیم که آیا آن نیز در شمار همان اغلاط و اشتباهات است یا صحیح ضبط شده و در هر حال نکته ای که در این واقعه جلب توجه ودقت را میکند کاره‌گیری شانزده‌تن‌افسران قفقازی است که درخدمت نظام روسیه بوده اند .

آیا باید تصور کرد مهاجرت این افسران هم مانند مهاجرت ایرانیانی بوده که در سالهای اخیر از کشورروسیه بایران آمدند ودرمیان‌آنها بسیاری‌هم ازعمال‌جاسوسی آن کشور بایران گسیل شدند یا با همان سادگی تلقی کنیم که مؤلف مزبور نوشته است ؟

این فکر وقتی قوت میگیرد که میبینیم امپراطوری روسیه مقارن این احوال از گرفتاریهای سیاسی اروپا فراغت یافته ودوباره متوجه آسیا شده بود و در تعقیب‌همین عطف توجه است که بفکر استقرار نفوذ وبسط قدرت خود در سواحل دریای خزر افتاده اند چنانکه روانوویچ نامی (۱) ازبزرگان روسیه در سال ۱۱۹۷ قمری(۱۷۸۲ مسیحی) (۲) با چند فروند کشتی بحدود استراباد (گرگان امروزی) آمد و از آقا محمد خان اجازه گرفت تجارتخانه ای در نواحی استراباد (۳) تأسیس نماید و میخواست که بدست آویز کار تجارت در آنجا قلعه بنیان کند و در نهانی‌مردم‌ولایات ساحلی بحرخزررابدولت روسیه متمایل کند وبجای تاسیس تجارتخانه قلعه مستحکمی در دوازده فرسنگی شهر استراباد بناکردند و هیجده عراده توپ با مهارت بسیار در آنجا قرار دادند .

ولی آقا محمد خان که منظور غائی‌روسها را دریافته بود آنهارا بخراب‌کردن

---

۱ - مؤلف ناسخ التواریخ نام این‌شخص را کرفس خان ضبط کرده است (ص ۲۳) و آنچه ما اختیار کرده ایم چنان‌است که محمد حسن خان صنیع‌الدوله در منتظم‌ناصری قید نموده (جلد ۳ صفحه ۳۸) .

۲ - بعید نیست که آمدن افسران قفقازی هم مقارن با همین تاریخ باشد ، چه در تاریخ نظامی آقای قوزانلو غالباً سنوات باشتباه ضبط شده است .

۳ - در ناسخ التواریخ بجای استراباد ، شهراشرف (بهشهر امروزی) نوشته شده است . (ص۲۳)

قلعه‌مزبورمجبور نمود (١) وبهر حال این رنك هم نگرفت و روسها نتوانستند درنظام ایران رخنه کنند .

---

١ ـ صنیع الدوله مینویسد : « بعد از اتمام قلعه ، حضرت شهریاری بتماشای قلعه روسها تشریف بردند و ازوضع [آنجا] با خبر گشتند چون ازقلعه مراجعت‌فرمودند روانویچ و صاحبمنصبان روسی را بشام دعوت کردند

وقت شب که صاحبمنصبان‌و روانویچ بمحل‌دعوت رسیدند حضرت شهریاری کامکار حکم بگرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته اید فوراً خراب نکنید و توپهای‌خودرا باآنچه درساحل استرابادداریدنبرید ، جان ومال شمادرخطرخواهد بود

روانویچ چون میدانست‌فرمایشی که حضرت شهریاری میفرمایند هر گزتخلف‌را در آن راهی‌نیست از همانجا بکارگذاران‌خود دستورالعملی نوشت که‌توپخانه واوازمیکه دارند بگشتی‌حمل کنندوقلعه‌را خراب‌ومنهدم سازند .»(ص٣٨ . ٣٩ جلدسوم‌منتظم‌ناصری)

www.KetabFarsi.com

فصل سوم

هیأت مستشاران فرانسوی

۱ ـ سپاه ایران درآغازکار قاجاریه.

اینک که اصل کتاب ماشروع میشودبه نیست بدانیم دراین تاریخ وضع نظام ایران بچه نحو بوده است :

دراوایل تأسیس سلسله قاجارسپاه ایران عبارت بود ازیکصد وهشتادهزارنفرچریك که بطورداوطلب گرفته میشدند . این عده متحدالشکل نبودندوازدوقسمت ترکیب میگردیدند:

۱ ـ قوای پایتختی یاپارکابی .

۲ ـ قوای ولایتی .

دسته اول بالغ برهفتاد الی هفتادوپنج هزارنفربود وافراد آن ازخزانه دولت حقوق میگرفتند. این دسته همه‌وقت در پایتخت و در رکاب شاه میبود .

دسته دوم شامل ۱۰۵ الی ۱۱۰ هزارنفربود وبخرج شاهزادگان وحکام وصاحبان تیول اداره میشد وافراد آن مأموریت حفظ وحراست شهرها وسرحدات‌را داشتند .

این مطالب باستناد کتاب سرتیپ کاردان‌است واوضمن یادداشتهای خود شرح‌مفصل وجالبی از وضع قشون ایران نوشته که چون مبسوط است ازنقل آن صرفنظر میکنیم و خوانندگان رابآن کتاب حواله‌میدهیم(۱).

وضع صنوف نظامی از آغاز کار قاجاریه باستناد یاد داشتهای سرتیپ کاردان عبارت بود از :

پیاده نظام	۶۰هزارنفر
سوارنظام	۱۴۴ »
توپچی	۲۵۰۰ نفر
مهندسی وبحریه	هیچ :

ـ از این تاریخ ببعد قوای بنیچه بوجود می‌آید که همان قشون منظم وتعلیمات یافته مملکت باشد وبطور بنیچه جمع‌آوری میشد یعنی‌هرولایتی تعداد معینی سرباز بامقررات مخصوص میداد واین عده بخرج دولت تحت نظرافسران‌خارجی وایرانی اداره میشدند .

۲ ـ ایران ورقابت دول اروپائی .

سرزمین‌ایران‌ازاوایل روی کارآمدن‌خاندان‌صفوی‌موردتوجه‌ملل‌اروپائی‌قرار گرفت ولی‌بایدداشت‌درآنروزهاملل‌اروپائی‌جز بخاطر بازرگانی، توجهی‌دیگر بایران‌نداشته‌اند و

---

۱ ـ این کتاب توسط کنت‌الفرد دو کاردان *Comte Alfred de Oardane* پسر سرتیپ کاردان‌جمع‌آوری ومنظم گردید وبوسیله دانشمند معظم آقای‌عباس اقبال‌آشتیانی استاد دانشگاه ترجمه و توسط شورای انتشارات نظام منتشرشده است .

از اواخر زمان صفویه است که کشور ما مطمح نظرهای سیاسی دول اروپائی مانند انگلیس ، روسیه و فرانسه واقع شده و رقابتهای سیاسی این سه دولت موجب تحولاتی بسیار در ایران گردیده.

شرح این رقابتهای سیاسی مبسوط و محتاج بصحایف آزادیست و ما در اینجا تا جائیکه بستگی باموضوع مادارد و در حوصله هشتم اوراق کتاب ماست ، بشرح آنها خواهیم پرداخت :

انگلیسیها در سال ۱۰۰۹ قمری (مطابق با ۱۶۰۰ مسیحی) در تعقیب سیاست بحری خود و رقابتهائیکه با پرتقالیها داشتند شرکت تجارتی هند شرقی را تأسیس کردند (۱) وقطعی است که دراینصورت میباید بازار فروشی نزدیك برای مال التجاره های شرکت مزبور پیدا میکردند . بدین ملاحظه است که متوجه بازار ایران شدند (۲و۳)

از این تاریخ تاسال ۱۱۰۲ قمری (۱۶۹۰ مسیحی) نظریات انگلیسیها در ایران منحصراً مبتنی برمقاصد بازرگانی بوده است و از این ببعد است که رفته رفته نظریات و مقاصد آنها رنك سیاسی بخود میگیرد .

روسها بمناسبت اینکه همسایه کشور ایران بودند زودتر از انگلیسیها بداخله ایران راه یافته اند وروابط آنها اززمان پادشاهان آق قویونلو شروع شده (٤) ولی قدر مسلم اینکه روسها تا ظهور پتر کبیر بهیچوجه نظریات سیاسی در مورد ایران نداشته اند .

پیدایش پتر کبیر(۱۶۸۲مسیحی) که دوره چهارم یادوره عظمت و مجد امپراطوری روسیه را آغاز نمود (٥) باین روابط ساده بازرگانی جنبه سیاست داد وازاین تاریخ است که رقابتهای روس و انگلیس که تااین زمان فقط رقابتهای بازرگانی بوده جنبه سیاسی پیدا میکند .

---

۱ - *The East India Company of London* این شرکت دربادی امر موسوم بود بشرکت تجارلندن که باهند شرقی معامله تجارت میکنند .

۲ - درباب روابط انگلیسیها باایران بکتابهای «روابط ایران با اروپا در دوره صفویه » تألیف آقای نصرالله فلسفی استاد دانشگاه و کتاب « روابط ایران با اروپای غربی درزمان صفویه» تألیف آقای دکتر یانی استاد دانشگاه (فرانسه) و «الذاء کاپیتولاسیون» تألیف آقای دکتر متین دفتری استاد دانشگاه (بفرانسه) مراجعه شود .

۳- نخستین نماینده شرکت هند شرقی موسوم بکریستوفر نیوبرت *Christophor niw port* باهیأتی درسال ۱۰۱۰ قمری (۱۶۰۱مسیحی) بایران آمد .

٤ - رجوع شود بکتاب «روابط ایران و روس» تألیف فاضل محترم آقای جمال زاده منتزع درمجله کاوه .

٥ - تاریخ روسیه را تا قبل از پیدایش مسلك کمونیسم (سال۱۹۱۷ مسیحی) بچهار دوره تقسیم میکنند :

اول - دوره بدویت که از آن اطلاعی دردست نیست وبسال۸۶۲مسیحی ختم میشود.

دوم - عهد کیف *Kief* در این دوره مملکت روسیه دارای حکومتی مستقل شده

(بقیه درپاورقی صفحه بعد)

جانشینان پتر بنابرماده نهم وصیتنامهٔ او (۱) میخواستند بخلیج فارس و از آنجا بقول پتر « بذخیره‌خانه دنیا » یعنی هندوستان راه یابند تادیگر احتیاجی بطلای انگلیس نداشته باشند . مناسبترین راهی که آنها رابخلیج فارس وهندوستان میرسانید ایران بود و برای اینکه از سرزمین ایران بگذرند میباید درایران نفوذی داشته باشند .

ج ـ فرانسویها بعدازجنگهای هفت‌ساله (از۱۱۷۰ قمری مطابق با۱۷۵۶مسیحی تا ۱۱۷۷ قمری مطابق با ۱۷۶۳ مسیحی) اشتهای استعماریشان رفته رفته زیاد شد و زمزمه هائی در باب بسط نفوذ در مشرق و توجه بسوی آسیا در محافل سیاسی آنها برخاست که بگوش انگلیسیها مطبوع نبود . فرانسویها بهمین نظر بنفوذ خود در دربار عثمانی افزودند وبخلیج فارس هم رفته‌رفته رخنه کردند (۲) .

دامنه این‌اوضاع تاهنگام روی‌کارآمدن آقامحمد خان قاجار وتأسیس خاندان‌قاجار کشیده شد .

این بود وضع دول اروپائی تا اوایل عصرقاجاریه ودر این دوره که اصل کتاب‌ما شروع میشود این سه دولت رامی‌بینیم که چشم طمع بایران داشته‌اند و تمام تحولاتی‌هم که در سیاست کشور وبانظام منا حاصل‌شده‌است معلول دیپلوماسی ورقابتهای همین سه ـ دولت اروپائی است وبعد هم دولت امپراطوری آلمان که از اواسط دوره قاجاریه‌وارد میدان رقابت میشود .

---

۱ ـ (بقیه ازپاورقی صفحه قبل)

و شهر کیف مرکزآن بوده‌است . این دوره‌ازسال ۸۶۲ مسیحی شروع و بسال ۱۵۴۷ مسیحی ختم میگردد .

سوم ـ عصر ترقی مسکو که اهالی روسیه در فاصله این زمان بخاورمملکت خود توجه یافتند و این دوره دوران خاندان رمانوف *Romanoff* بوده وپیدایش پتر کبیر خاتمه یافته (از سال ۱۵۴۷ تا ۱۶۸۲مسیحی) .

چهارم ـ دوره عظمت و اقتدار روسیه یعنی ازتاریخ روی‌کار آمدن پتر (۱۶۸۲) تا پیدایش مسلك کمونسیم . (۱۹۱۷ مسیحی)

۱ ـ ماده‌نهم وصیت پترچنین‌است : «هرقدرممکن باشد بایدباستانبول وهندوستان نزدیك شد زیرا کسیکه براین دونقطه تسلط و استیلا یابد میتواند سلطنت تمام دنیا را دردست بگیرد . باید دائماً درعثمانی وایران جنك ونزاع برپا داشت وباید دربحراسود کارخانهای کشتی‌سازی ولنگرگاههای کافی ساخت و در حوالی ایندریا و دریای‌بالتیك اراضی کوچکی رامتصرف شد زیرا تسلط براین‌دودریابرای‌پیشرفت مقاصد مالازم‌است. باید درموقع ضعف وانحطاط ایران تاخلیج فارس پیشرفت وروابط تجارتی را بادریای مدیترانه مجدداً برقرار نمود و تا هندوستان که بمنزله مخزن و ذخیره خانه دنیاست جلو رفت . وقتی ما باین مملکت برسیم دیگر احتیاجی بطلای انگلیس نخواهیم داشت .» (کتاب خلیج فارس سرهنك وبلسون) .

۲ـ برای کسب‌اطلاعات‌بیشتری درباب روابط‌ایران‌وفرانسه بکتاب «تاریخ‌سیاست خارجی ایران»ه تألیف مرحوم دکتر کاظم‌صدر (بفرانسه) وترجمه آقای‌دکتر جواد صدر (بفارسی) مراجعه شود .

۴ ـ معاهده فین کن‌اشتاین (۱)

بنظریاتی که در مبحث « ایران و رقابت‌دول اروپائی» ذکر کردیم ، سیل سپاه روسیه‌درسال ۱۲۱۸ ه (۱۸۰۳مسیحی) از جبال قفقاز رو بایران سرازیر و جنك اول ایران وروس شروع شد و علت اصلی این جنك همان ماده نهم وصیت پتر بود .

چون جنك مابین ایران وروس در گرفت ، فتحعلیشاه بفکر پیدا کردن متحدی‌افتاد تابا کمك آن‌دولت‌تجاوزات واقدامات روسها رادفع وخنثی کند . انگلیسیهاوقت‌راغنیمت شمرده حاضر شدند عهدنامهٔ اتحادی منعقد کنند اما این اتحاد شرایطی داشت که بسیار جالب وشنیدنیست وهمانهاست که مبانی سیادت امپراطوری انگلستان‌راتحکیم میکرد شرایط مزبور سه‌بود .

۱ ـ واگذاری حق ملکیت جزیره خارك ازخلیج فارس بآنها .

۲ ـ واگذاری بنادر مازندران بمنظور تجارت بایشان .

۳ ـ اجازه ایجاد استحکاماتی دربندر بوشهر .

فتحعلی شاه این شرایط را قبول نکرد وبالنتیجه اتحاد منظورهم صورت‌نگرفت .

در این گیرودار ناپلئون بناپارت (۲) در فرانسه قدرتی بهم زده بود وجنگهائی متوالی باروسها و انگلیسیها کرد . فتحعلیشاه که از طرف‌انگلیسیها ناامید بود و آوازهٔشهرت و جهانگشایی بناپارت را شنید بجانب فرانسه متوجه شد و ناپلئون هم بخوبی او را استقبال نمود .

از مقاصد نهائی‌بناپارت یکی برانداختن قطعی انگلیسیها واضمحلال انگلستان‌بود ولی‌واضح‌بود که‌این‌مقصودازراه حمله بجزایربریتانیای کبیرمیسر نمیشد حمله‌بمصر بهمین دلیل ونظر صورت گرفت که از آنهم نتیجه مطلوب بدست نیامد . باین جهات بناپارت بهندوستان توجه یافت که منطقه حیاتی انگلیسیها محسوب میشد .

برای دست یافتن بهندوستان دو راه در پیش بود : یکی راه دریائی اقیانوس‌هندو دیگری راه زمینی‌ایران وضعف نیروی‌دریائی ، بناپارت‌راه‌راه زمینی‌ایران متوجه‌ساخت.

ناپلئون علاوه برفکر حمله بهندوستان قصد دیگری هم از این‌اردو کشی داشت و آن این‌بود که میخواست بافرستادن نیروئی بایران توجه روسها را بسوی آسیا جلب و از اروپا منحرف کند که حاصل آن ضعف قوای‌آنها دراروپا میشد (۳) امافرستادن کلیه نیروئی که برای حصول این‌مقصود لازم‌میبود ، بدلائل‌سوق‌الجیشی‌وهم‌آنکه‌موجب ضعف قوای فرانسه در اروپا میگردید عملی نبود و میباید ازممالك بین راه کمك گرفته میشد

---

۱ ـ *Finkenstein* ۲ ـ *Napoléon Bonaparte*

۳ ـ ناپلئون درنامه‌ای که ببرنس دتالیران *Prince de Talleyrand* وزیرامور خارجه خود نوشته مینویسد : «لابد ملتفت هستید که جلب مساعدت ایران تاچه حد برای من‌مفیداست. بافرستادن ۱۵۰۰ نفرسرباز بایران‌درماه‌اکتبر بمعیت یکعده‌صاحب‌منصب ارشد وصاحب‌منصب‌جزء من‌میتوانم‌نظر روسیه‌راازاروپامنحرف‌نمایم‌لازم‌بیادآوری‌نیست‌درسه‌ماه بعد ازحضورقشون درایران دولت انگلیس‌وروسیه دچار وحشت واضطراب خواهندشد» (کتاب یادداشتهای ژنرال ترزل ص۲۹)

و این فکر هم باین مانع بر میخورد که درممالك آنروزی آسیا قنون منظمی برطبق اصول نظام اروپائی وجودنداشت بعلاوه فرستادن قوائی بایران وبعد هم [illegible] مستلزم پیش بینی های کافی وشناسایی های قبلی باحوال ایران وایرانیان و دیگر ملل سر راه هندوستان میبود . باین جهات ناپلئون درنظر گرفت ازاستعداد فتحعلی [illegible] چندتن از افسران خودرا بایران بفرستد که هم قشونی طبق نظام اروپائی [illegible] کنند وهم اطلاعاتی که برای اردوکشی منظورلازم است فراهم نمایند .

این بود علل وموجباتی که بناپارت را وامیداشت از یك دولت آسیائی آنروز - گشاده رویی استقبال کند وعهدنامه پرسر و صدای مین کن اشتاین که بتاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ قمری مطابق با ٤ مه ۱۸۰۷ میان ناپلئون و فتحعلی شاه منعقد شد نتیجه عینی نظریات وتمایلات طرفین بود (۱) .

این معاهده شامل ۱٦ ماده بود که ماده ششم وهفتم آن مربوط بامور نظام است

۱ ـ «ماده ششم ـ چون اعلیحضرت پادشاه ایران مایل است که پیاده نظام و توپخانه واستحکامات خود را برطبق اصول اروپائی منظم نماید ، اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا متعهد میشود توپهای صحرائی وتفنگها وسربازهائی را که اعلیحضرت پادشاه ایران لازم دارد برای اونمارك نماید قیمت این اسلحه مطابق ارزش آنها در اروپا محسوب خواهد شد . »

۲ ـ «ماده هفتم ـ اعلیحضرت امپراطور فرانسویان وپادشاه ایتالیا رعهده میگیرد که هراندازه صاحبمنصب توپخانه مهندس وپیاده نظام که اعلیحضرت پادشاه ایران و جزء آنها را برای تحکیم قلاع و تنظیم توپخانه و پیاده نظام ایران برطبق اصول فن نظام اروپائی لازم شمارد درتحت اختیار او بگذارد »

در مقابل این تعهدات وچند شرط دیگر (۲) ناپلئون هم چند موضوع راخواسته بود و فتحعلیشاه قبول کرد که مهمترین آنها چنین بوده :

۱ ـ روابط سیاسی وتجارتی ایران وانگلیس قطع شود ، (ماده هشتم معاهده)

۲ ـ دولت ایران بانگلیس اعلان جنك دهد (ماده هشتم)

۳ ـ عموم انگلیسها را از ایران بیرون کند (ماده هشتم)

٤ ـ بالاخره برای حمله بمتصرفات هندوستان قرار داد اتحادی [illegible] (ماده دهم

---

۱ ـ متن این عهدنامه درکتاب مأموریت سرتیپ گاردان ص ۳٦ ـ ٤۰ وناسخ التواریخ ص۳۸۵ ـ۳۸۷ ضبط است .

۲ـ شرایط دیگر چنین بود .

اول ـ امپراطور فرانسه استقلال ممالك موجوده ایران راتضمین مینماید (ماده دوم)

دوم ـ امپراطور فرانسه گرجستان راحق ایران میداند (ماده سوم)

سوم ـ امپراطور فرانسه تمام مساعی خودرا برای استرداد گرجستان واراضی ایران که توسط روسها تصرف شده بکار خواهد برد (ماده چهارم) .

بموجب این‌معاهده ناپلئون هیأتی ازافسران فهمیده وتحصیل کرده خودرابریاست سرتیپ گاردان (۱) که سمت سفارت‌فرانسه رادرایران نیزمیداشت بایران فرستاد وشئون منظم ایران‌بطرزاصول نظام جدید اروپا باین‌دلائل سیاسی زیرنظراین افسران‌تأسیس و تشکیل شد .

هیأت نمایندگان فرانسه

بی مناسبت نیست قسمتی از دستورات بناپارت راکه بعداز انعقاد معاهده فین کن‌اشتاین درتاریخ‌ششم ربیع‌الاول ۱۲۲۲ (۱۵ مه۱۸۰۷) راجع بوظایف و ماموریت افسران فرانسوی که بایران آمدند بسرتیپ گاردان‌داده شده دراینجا نقل کنیم. این چند سطر بخوبی میرساند که فرستادن هیأت مزبور معلول چه نظریات و برای چه مقاصدی بوده است و در نتیجه معلوم میشود این تحولی که درنظام آنروزی ماحاصل شده بچه‌دلیل‌صورت گرفته‌وفرانسویانی هم که در آن ایام آنهمه زحمات و سختیها را در:بهبودوضع نظام‌ایران متحمل شده‌اند دلشان بحال ایران و ایرانیان نمی سوخته بلکه مصالح ومقتضیات سیاست کشور آنها تحمل آنرا ایجاب‌مینموده‌است(۲). ناپلئون هم خود مینویسد :

---

۱ - *General Gardane*

۲ - بعلاوه مدارك وشواهد دیگری دراین باب موجود است که میرساند فرستادن هیأت مزبور ازروی دلسوزی و خیرخواهی بحال ایران نبود من‌جمله فکر فرستادن یك هیأت دیگری از افسران فرانسوی بمملکت سیك ها بتاریخ ۱۲۲٤ (۱۸۰۹) که‌چون سیك ها در نظر داشتند ارتش منظمی برطبق اصول نظام اروپا تشکیل دهند سرتیپ گاردان بدولت متبوع خود اطلاع میدهد وپیشنهاد میکند عده‌ای ازافسرای فرانسوی را برای تشکیل چنین نیروئی بآن مملکت بفرستند و اگر بناپارت در آن موقع گرفتار اروپا نمی‌بود و خاطرش ازجانب آسیا و هندوستان منحرف نمیشد قطعاً چنین هیأتی را روانه مملکت‌سیك‌ها مینمودتامزاحمت‌انگلیس‌هارافراهم سازند(ص ۱٦۷ کتاب گاردان)

« فرانسه بمملکت ایران بدونظر مینگرد ، ازیکطرف آنرا دشمن‌طبیعی روسیه میداند و ازطرف دیگر سرزمین آنرا وسیله و راهی برای لشکرکشی بهند می‌شمارد وبهمین دونظر عده کثیر صاحبمنصب مهندسی وتوپخانه همراه سرتیپ‌گاردان میفرستد ، ایشان را بعنوان سفارت مأمور دربار طهران میکند .

« این صاحبمنصبان برای آن فرستاده شده‌اند که قوای نظامی ایران را در مقابل روسها مهیتر کنند وبرای آنکه موانع اردوکشی بهند راکه باید ازطریق حلب یابکی از بنادر خلیج فارس اختیارنمود تحقیق کنند وبجمع‌آوری اطلاعات وتألیف رساله‌هایی بپردازند .» (۱)

۴ - هیأت سفارت سرتیپ‌گاردان .

بهرحال هیأت نمایندگی فرانسه در سوم شوال ۱۲۲۲ قمری (مطابق بادداشتها ۱۸۰۷ مسیحی) بطهران ورود کردند ومرکب بودند از ۲۵نفر (۲) که ۱۳ تن آنها بشرح زیر نظامی بودند :

۱ - سرتیپ گاردان	(۳)	رئیس‌هیأت
۲ - سروان نروی‌لیه	(٤)	افسر مهندس
۳ - » لامی	(٥)	» »
٤ - » اگوست‌بن‌تان	(٦)	» »
٥ - » بیانخی‌دادا	(۷)	» »
٦ - » برنار	(۸)	» » جغرافیا
۷ - » وردیه	(۹)	افسر پیاده
۸ - ستوان تره زل	(۱۰)	افسرمهندس‌جغرافیا
۹ - » ریول	(۱۱)	افسر توپچی
۱۰ - » فابویه	(۱۲)	» »
۱۱ - سرجوخه فینو	(۱۳)	سرجوخه پیاده
۱۲ - » مارشال	(۱٤)	» »
۱۳ - » دامرون	(۱٥)	» »

---

۱ - ص۱٤۱ و ٤۲ کتاب گاردان .

۲ - ص۵۲ - ٥٤ کتاب گاردان

۳ - *Gardane*

٤ - *Truilhier*.

٥ - *Lami* که بعدها در قشون فرانسه بدرجه سرتیپی رسید .

٦ - *Auguste Bontens* این افسر در ۲۵ فوریه ۱۸۰۸ (۱۱۲۳) بفرانسه بازگشت .

۷ - *Bianchi Dada*

(بقیه درپاورقی صفحه بعد)

این عده بایشتکار و مجاهید قابل تمجیدی شروع بکار کردند بطوریکه در قابل مدتی سروان وردیه‌موفق شد چهار هزار نفر سرباز پیاده مسلح وبرضع نظام اروپائی تربیت کرد وستوان‌فابویه هم توانست بانبودن وسائل‌کار بیست عراده توپ تهیه و سوار نماید هرچند این عده بنفع مملکت ودولت خود درایران متحمل زحمات طاقت فرسائی میشدند اما نباید ازانصاف گذشت که درعین حال خدمات فراوان و قابل ملاحظه‌ای هم بمصالح و ارتش ایران نموده‌اند .

* ازایرانیان‌تنها کسی که‌توجه مخصوص بنظام‌اروپائی‌نشان میداد شاهزاده‌عباس‌میرزا ولیعهد بود که بسفارش‌وتوصیه میرزاعیسی قائم مقام اول مشهور بمیرزا بزرك (متوفی در ذیقعده ۱۲۳۷ قمری) وزیر خود برروئق قوای جدیدالتأسیس می‌افزود ومساعی این شخص یعنی میرزا بزرك بود که بنیان ارتش منظمی را برای ایران تهیه کرد ودرحقیقت باید گفت شالده ارتش منظم وبرطبق اصول نظام جدید اروپا براثر مجاهید او گذارده شد وبنای ارتش های منظمی هم که بعد ها در ایران تشکیل یافت برروی ویرانه های همان بنااستوار گردید .

« گر چه قشون ایران بواسطه صاحب‌منصبان اروپائی»
« ترقی‌نمودند ولی ازحیث دیگربواسطه نظم وتربیت‌ازقوت »
« قشون کاسته گردید چونکه‌درزمان‌سابق قشون ایران مرکب »
« بود از طوایف و ایلات صحرا نشین و این طوایف همیشه »
« اسبهای‌ترکمان وعربی خوب برای خود تحصیل می نمودند »
« ودر تمام اوقات‌سواره جنك می نمودند واگر در آن زمان»
« قشون ایران صاحب منصب دانائی می داشت در تمام میزارد»
« دفع می‌شود ولی چون صاحب‌منصبان ایرانی غیوروخودرأی»

(بقیه‌ازورقی‌ازصفحه‌قبل)

۸ - *Bernard* این افسر هنگام آمدن بایران درچند منزلی‌خوی درگذشت .

۹ - *Verdier*

۱۰ - *Trézel* ترزل بعدها در ارتش فرانسه بدرجه سرتیپی ومقام وزارت‌جنك رسید . او تحقیقات بسیاری درباب‌جغرافیای‌نظامی‌ایران نموده‌است وقسمتی‌ازیادداشتهائی که راجع باین‌مسافرت خود نوشته توسط‌استادمعظم‌آقای‌اقبال بفارسی ترجمه شده است .

۱۱ - *Reboul*

۱۲ - *Fabvier* این افسر درجنگهای استقلال یونان شرکت کردوشهرت‌واهمیت بسیاری حاصل نمود .

۱۳ - *Finot*

۱۴ - *Marchal*

۱۵ - *Damron*

« و نادان می‌باشند و قشون هم به‌صاحب‌منصب خود نگاه می‌کند »
« در اول حمله روی بشرار می نهادند ولی فعلیشاه ملاحظه »
« اینکه از قوت روزای‌ایلات کاسته گرددوضع قشون ایران»
« را تغییر داده وبه سبك اروپا رفتار نموده و از فراریخته»
« وکر می نمایند همینکه این‌خبر بژنرال یرمولف General »
« Yermoluff که ازجانب روسیه حاکم گرجستان بود رسید»
« فریاد برآورد که الحمدلله که‌اکنون بدولت‌ایران غالب‌شدیم »
«وسرجان‌ملکم Sir John Malcolm بیان‌مینمایددولت‌ایران »
« که بالنسبه از سایر ممالك ازجهت صنایع وعلوم وتربیت و »
«قواعد جنگی واسلحه وتعداد قشون پست تر می‌باشد تا بحال»
« بواسطه‌همین‌قشون بی نظم‌درمقابل سایردول زبست نموده بود»
« ولی اکنون که عباس میرزا وضع‌قشون را تغییر داده است»
« بزودی ممالك را دشمنان متصرف خواهند گردید . »

« نظم قشون در مملکتی فایده دارد که مواجب و »
«مرسوم آنها بطور خوبی بایشان رسیده و اسباب و اسلحه »
« لازمه از هر گونه مهیا باشد و علاوه بر این مملکتی که »
« سلطنت چندان دوامی ندارد وهرروز دردست طایفه دیگر»
« می افتد و قانونی بجز رای سلطان در میان نیست وجود»
«چنین قشون هیچ فایده نخواهد داشت واگراین وضع‌راتغییر»
« داده ومطابق عادات سابقه اختیار نماید یقینا اختیار دولت»
« ایران زیاد تر از حالیه میشود و بهمچنین سرراولینسن »
«Sir H.Rawlinson مینویسد : دولت ایران درباب تعلیم و»
« تربیت قشون خیط بسیار عظیمی نموده است چونکه بر همه »
+ « معلوم شده است که از زمانیکه دولت ایران بدین خیال »
«افتاد در تمام جنگ‌ها شکست خورده نمی‌توان گفت که‌اهالی »
« ایران کسل و بی‌جرات‌اند چونکه باهمین سوارهای‌ایرانی »
« نادرشاه وآقا محمدخان‌سلاطین‌خارجه رامغلوب‌نمودند. »

(ایران و مسأله ایران – ترجمه فارسی نسخه خطی کتابخانه مجلس)

بااین تفصیل قوایی درآذربایجان وعراق ومازندران‌تشکیل شد نظامی‌آذربایجان را «سرباز» ونظامی‌عراق ومازندران‌را «جانباز» نامیدند فرماندهی کل سربازهابعهده عباس‌میرزا ولیعهد (متولدچهارم‌ذیحجه ۱۲۰۳ ومتوفی‌دردهم‌جمادی‌الاخره۱۲۴۹قمری) وفرماندهی جانبازان بعهده سپهداریوسفخان گرجی‌قرار گرفت وعدهٔ هریك ازاین‌دوقسمت در حدود دوازده هزار نفر شد .

۵ ــ معاهده تیلسیت (۱) .

چیزی از تنظیم معاهده فین کن اشتاین نگذشته بود که ورق سیاست اروپا برگشت و ناپلئون با الکساندر (۲) امپراطور روسیه در تیلسیت ملاقاتی کردند و عهد اتحادی بهمین نام منعقد شد (۳) (بین بیست و پنجم صفر و نوزدهم شوال ۱۲۲۲ مطابق

سربازان ایرانی در زمان فتحعلیشاه

---

۱ - *Tilsill* ۲ - *Alexendre.*

۳ - در این تاریخ معاهده فین کن اشتاین تهیه و تنظیم شده بود لیکن هنوز بامضای فتحعلی شاه نرسیده بود و در فاصله زمان تهیه معاهده مزبور و امضای آن قرار داد تیلسیت منعقد گردید و پس از آن فتحعلی شاه معاهده فین کن اشتاین را امضاء نمود.

با ٤ مه و ۲۱ دسامبر۱۸۰۷) . مسلم بود که بمقتضای این معاهده ، فرانسه با روسها متحد شده بود و دیگر برای استرداد گرجستان ایران اقدامی نمیکرد و گاردان هم بهمین جهت بافسران خود دستور داد دست از تعلیم و تربیت نظامیان ایران برداشتند. این امر موجب نگرانی‌خاطرفتحعلی شاه وارلیای دولت ایران را فراهم ساخت بخصوص که بناپارت در عهد نامه تیلسیت حتی اسمی هم از ایران ومصالح آن نبرده بود .

فتحعلی شاه چون ازجریان انعقاد عهد نامه‌تیلسیت مسبوق شد باین اقدام بناپارت که حمل بر خلف مواعید او میگردید اعتراض کرد و سرتیپ گاردان باعتراض شاه چنین پاسخ داد :

« اعلیحضرت تصدیق میکنند که درعهدنامه‌تیلسیت راجع‌بایران مادهای گنجانیده نشده وعلت آن این است که اولا درآن تاریخ دولت ایران عهد نامه اتحادبین‌فرانسه و ایران را تصویب نکرده بود . ثانیاً دربارطهران امکان داشت که آن معاهده را تصدیق نکند و بهمین جهت چون اعلیحضرت هیچ‌نوع اطمینانی در باب روابط آینده خود با ایران نداشت نمیتوانست در باب روابطی که هنوز استحکام نیافته بود با روس ها صحبتی بدارد (۱) .»

ولی این عمل بناپارت اثرنامطلوبی بر خاطر فتحعلی شاه گذاشت بطوریکه در آخرین روزهایی هم که هیات گاردان رخت سفر از ایران می بستند به گاردان گفته بود :

« ناپلئون میتوانست در موقع بستن عهد نامه تیلسیت منافع ایران را در نظر بگیرد یقین بود که هر شرطی را که فرانسه فاتح بروسیه مغلوب تحمیل میکرد پذیرفته میشد ، در آن موقع‌بود که ناپلئون میتوانست برای‌ایران مفید باشد .» (۲)

نتیجهٔ معاهدهٔ تیلسیت این شد که قدری افکار بناپارت از جانب ایران منحرف

---

۱ - از مراسله ای که‌سرتیپ گاردان به فتحعلی شاه و بتاریخ ۱۲ ذی حجه۱۲۲۲ (۱۱ فوریه ۱۸۰۸) نوشته است (ص ۷۸ کتاب‌گاردان) . دوشامپانی وزیر روابط خارجه فرانسه این‌موضوع‌را بهتر تشریح کرده است ، « در تیلسیت هیچگونه گفتگوئی از ایران بمیان نیامده و خودعلت آنرا میدانید.معاهده ما با ایران در آن تاریخ هنوز بتصویب نرسیده بود حتی ایران هم‌ازآن اطلاع نداشت وتصمیم فتحعلی شاهرا نیز درآن خصوص کسی‌نمیدانست . در این صورت رعایت کمال احتیاط بصرفه نزدیکتر بود و ما نمیخواستیم‌باوارد کردن‌شرایطی‌راجع‌باین‌درمعاهده‌منافع‌دیگرخودرا که‌باروسیه‌میبایست تصفیه‌شوددوچاراشکال کنیم.بعلاوه من شکی‌ندارم که‌حل‌اختلافات بین‌ایران وروسیه‌آسان نیست و روسیه نمیخواهد با هر متحد امپراطور ناپلئون از در دوستی در آید . » (از نامهٔ دوشامپانی بگاردان ص ۱۷۱ کتاب گاردان) .

۲ - ص ۱٤۸ کتاب گاردان.

شود و در استرداد گرجستان اقدامی نکند و متعاقب این اوضاع هم ناپلئون سر گرم مسائل پرتقال و اسپانیا شد بالنتیجه از حمله بهندوستان منصرف گردید و هیأت سفارت خود را مدت دوسال و سه ماه در ایران سرگردان و بلا تکلیف نگاهداشت .

بی مناسبت نیست در اینجا برای روشن شدن چگونگی و اوضاع آن روز های دربار ایران قسمتی از نامه‌ای را که میرزا شفیع صدر اعظم وقت بوزیر امور خارجه فرانسه نوشته است نقل کنیم :

« ... آخر ، دوستی و آشنائی دو دولت بزرك را نفعی و ثمری ضرور است خلف عهد و سست پیمانی شما که عالمگیر شده وازایلچیان وفرستادگان آن دولت هر که وارد ایتولایت شده هزار گونه سخنان دوستانه مسموع گردید ، یکی از قوه بفعل نیامده . یکی مذکور ساخته که ایمپراطور اعظم از راه دریا هزار تفنك فرستاده ؛ یکی نوید داده که پنجاه عراده توپ میآورند، یکی دیگر گفته که پادشاه محض خاطر شما با روسیه مصالحه کرد و ایلچی فرستاده که روسیه را بیرون نمایند ما هم بهمین هوس موسی لازار (۱) راکه تدارك کلی نموده نزد گدویچ (۲) سردار روسیه فرستادیم، بعد از ورود آنجا بسردار و کارگذاران این دولت تکلیف و اهتمام می نمود که شما قلاع را خالی کرده بروسیه واگذارید تا من بنای متارکه میان شما بگذارم . این همه معلم ومهندسی که از آن دولت درآنجا بودند با آن که کمال محبت و نوازش درباره ایشان بعمل آمده و از مال دنیا بهیچوجه مضایقه نشده همینکه بنای دعوا و جنك با روسیه شده یکجا خود را کنار کشیده نزدیك نیامدند ، عسکر خان را با پنجاه هزار تومان تحفه و هدایا روانه پاریس فرمودند سه چهار سال او را در آنجا نگاهداشته آخر با ده هزار تومان قرض روانه ساختند . » (۳)

۶ . تحریکات انگلیسیها .

انعقاد عهد نامه تیلسیت و متعاقب آن انصراف خاطر بناپارت ازمسأله ایران ، بعد هم تمایل فرانسویان براجرای مواعید خود موجب تزلزل اطمینان واعتماد فتحعلیشاه نسبت بفرانسویها شد واز طرفی انگلیسیهاهم ماده این بدگمانی و بدبینی را غلیظترمینمودند.

حکومت هند برای اینکه نفوذ فرانسویها را درهم شکنند سرجان ملکم (٤) را بنمایندگی بایران فرستاد . ملکم درماه مه۱۸۰۸ باچهار کشتی جنگی بخلیج فارس رسید و این عمل بمنزله تهدید وحمله بخاك ایران بود ولی فتحعلی شاه بموجب تعهدات خود ، نماینده انگلیسی را نپذیرفت ودولت انگلستان سرهارفرد جونز بریج (٥) را بدنبال ملکم روانه ایران نمود واونیز مدتها معطل ماند . برای اینکه نمونه‌ای ازاقدامات انگلیسیهارا که بمنظور طرد فرانسویان بکار برده اند بدست داده باشیم قسمتی از بیانات فتحعلی شاه را که درملاقات

---

۱ - *Mr. Lajard* ۲ - *Maréchal Gaudowish*

۳ - ص ۱۳۰ کتاب روابط ناپلئون با فتحعلیشاه . اصل این نامه در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه ضبط است .

٤- *Sir John Malcolm* ٥ - *Sir Harford Jones Brydge*

با گاردان اظهار کرده و ژوانن(۱) شرح آن‌را نوشته است در اینجا نقل میکنیم واز این قسمت معلوم میشود که انگلیسیها چگونه درغلطت ماده بدبینی و بدگمانی‌نسبت بفرانسویان میکوشیده اند :

« ما برای اینکه درمقابل عالمیان علاقه خود را نسبت بملت شما و صداقت‌خود را به پیشنهاد های خویش باثبات رسانده باشیم یکی از سفرای انگلیس را با وجود هدایای هنگفت و پیشنهادهای بی اندازه بانهایت خفت‌باز گرداندیم معهذا دولت‌مز ور هنوز بما فشار میآورد و عنقریب سفیر دیگری از او با هدایای نفیس بحدود جنوب ممالك ما خواهد آمد .

اگر ما او را بشرف‌ملاقات خود برسانیم هدایای فوق را بتقدیم خواهد رسانید. دولت انگلیس قشون و توپ و تفنك بسیار دارد و اگر ما راه ورود او را بمملکت خود سد نمائیم بر ما حمله خواهد آورد . امری که بیش از همه اسباب زحمت ماشده این است که دولت متبوعالیها نسبت بما بیشترازفرانسه‌ازدر کرم درآمده‌میگوید که‌شما معتنهاست از فرانسه ۲۰۰۰۰۰ قبضه تفنك خریده اید و هنوز نرسیده در صورتیکه ما حاضریم بیشتر از آن تفنك بشما تسلیم کنیم و در ازاء هیچ مطالبه ننمائیم (۲) . فرانسه بر خلاف جمیع آداب مرسومه تا کنون برای شما هیچ قسم هدیه ای نیاورده و حال آنکه ما حاضریم بیش از آنچه در قدرت اوست تقدیم نمائیم .

قشون انگلیس اگر ازقبول اتحاد با آن دولت سرپیچی کنید بایران حمله‌خواهند برد و در خلاف این صورت حاضر است که درمقابل روسهابدفاع قیام نماید و گرجستان را بشما برگرداند .

اینها مختصری است از شرح تهدیدات وپیشنهادهای‌انگلیس وحال خوددرباب گرفتاری ما در شمال و جنوب فکر کنید ودوری وسکوت‌فرانسه را نیز بنظر بگیرید، آیا برای ما ممکن است که در شمال و جنوب با روسها وانگلیسیها هر دوبجنگیم ؟ جواب این مسئله بعهدهٔ شماست» (۳)

---

۱ - *Jouannin* این شخص مترجم اول سفارت و برادرزاده پرنس‌تالیران بود .

۲ - غرض انگلیسیها تحقیر و تخفیف فرانسویان بوده که قیمت تفنگها را مطالبه کرده بودند وبرایینکه شاه‌ایران‌را تطمیع کرده باشندوحال‌آنکه‌ناپلئون علت این‌مطالبه وجه را چنین تعبیرنموده بود : « اعلیحضرت ازمطالبه قیمت این‌اسلحه نظری نداشت یانصد ششصد هزار فرانك ندارد بلکه میخواهد امتنان حاصل کند که دولت ایران آنها را بهتر مصرف برساند و این نظر در صورت پرداخت قیمت بیشتر مرعی‌میشود، تا اینکه آنها را مجاناً باو واگذارند بعلاوه پرداختن وجه آنها از طرف ایران علامت آن است که این دولت خیال بکار بردن آنها را دارد » (ص۴۵ کتاب گاردان)

۳ - ص ۱۲۹ - ۱۳۰ کتاب گاردان .

اصرار انگلیسیها برای رفتن فرانسویان بجایی رسید که‌ایران را تهدید نمودند قشون بخاك ایران پیاده خواهند کرد و محمد علی خان پسر علی مراد خان زند را بپادشاهی ایران خواهند برداشت و حتی بمنظور تاکید این تهدید ،او را که در این ایام در دکن بود به بمبئی آوردند.

گاردان که بمناسبت تغییر سیاست و انصراف خاطر بناپارت ازمسأله‌ایران‌بلاتکلیف مانده بود و دستوری هم از فرانسه برایش نمی رسید ناگزیر پاسخ دولت ایران را بدفع الوقت میگذرانید و در تمام این مدت شاه و اولیای ایران را برسیدن جواب از فرانسه امیدوار می‌نمود .

« شهریار نامور امنای دولت‌را فرمان کرد تا انجمن شده »
« بی‌مصلحت مجلس‌آراستند بالجمله مقصدجنرال‌گاردان را»
«بدینگونه بازنمودند . اول آنکه تماردان بیمان داد که‌چون»
«ناپلئون بالکسندر پاولیچ دیدار کند وعهد موالات استوار»
«فرماید نخستین ازبیرون شدن‌روسیان‌از ممالك گرجستان‌سخن»
« کند ، بعداز آنکه پادشاه روس را دیدار کرد ازکار ایران»
«و گرجستان دم دربست و پیمان بشکست. دوم آنکه گاردان»
«از قبل گدویچ خواستار مصالحه آمد وسجل‌مختوم سپرد و »
«موسی لازار نایب خویش را بنزدیك گدویچ از بهرانجام »
«مصالحت متردد ساخت بجای‌آنکه گدویچ را از انقطاع‌ایران»
«بیرون کند حفظه وحرسه‌قلعه ابروان را پیام داد که این‌قلعه»
«را بگدویچ نگذارید وسرخویش گیرید واگر نه جان ومال»
«برسر این کارخواهید کرد . سیم آنکه موسی ویردی که »
«آموزگار نظام جدید بود وموسی‌لامی که‌هندسه نیك دانست»
«و اینهو ازهمراهان‌گاردان بودند درآذربایجان بتعلیم‌هندسه»
«ورسوم نظام اشتغال داشتند هنگام تاختن گدویچ و اشتمال»
«نوابر حرب دست‌از تعلیم بازداشتندو گفتند گاردان‌مارا‌حکم»
«فرستاده که‌دست ازخدمت واعانت اهالی ایران بازداریم»
«و ازینروی که میان دولتین روس و فرانسی قواعد وداد و»
«اتحاد محکم‌است وتوان بهوای مؤالفت‌ایرانیان مخالفت »
«روسیان کرد. چهارم آنکه عسکرخان افشار اروسی که‌سفیر»
«فرانسه گفت‌ناپلئون جانب مهمان‌رامهمل گذاشته وروزگاری»
«است که اصلاح امورش‌را بتسویف وقت‌مملق داشته . گاردان»
«خان چون اصغای اینکلمات کرد و ازجوابیکه مقرون بصواب»
«باشه بیچاره ماند گفت سخن‌شما برصدق است اگرچه بیرون»
«شدن روسیان از اراضی ایران صورت نبست‌لاکن از اهداء »
«آلات‌حرب‌مضایقت نرود دیگرباره سجلی سپرد که‌سی‌هزارقبضه»
«تفنك ودیگر ادوات که بکار جنك‌آید ودرمدتی اندك تسلیم»
« کارداران نایب‌السلطنه دارد واگر این‌پیمان‌را نیز کسری و»

«شمائی بادید آید دیگر طمع دوستی بدولت ایران نه بندد و»
«باز مملکت خویش خوانند.»
(ناسخ‌التواریخ مجلد یازدهم قاجاریه ص ۹۵-۹۶)

ولی بالاخره این امروز وفردا کردنها که دولت ایران را در بلاتکلیفی وسرگردانی میگذاشت با مواعید انگلیسیها که در عین حال توام با تهدید و فشار بود خاتمه یافت و دولت ایران مصمم شد سفیر انگلیس را بپذیرد. درخلال همین اوقات دست انگلیسیها درداخله طهران هم اسباب چینی هایی میشود وهواخواهان آنها اقداماتی میکردند که فرانسویان را مجبور بترك ایران نمایند.

در همین زمینه است که تره زل در یاد داشتهای خود مینویسد: «در ۲۶ دسامبر (۱۸ ذی‌قعده) نوکرهای اسمعیل بك طباطبائی وزیرجنك(۱) ونوکرهای نوروزخان با چوب یکی ازنوکرهای مرا مجروح کردند و مردم بسیار جمعیت نمودند واگر مداخله دیگران نبود حتمل بود کشته شود...

یك نفر میرزا را که بمن درس میداد نیز کتك مفصل زدند و میرزای بیچاره سر و دست خونین بمنزل من آمد - یك نفر ایرانی که برای منزل من آب می آورد نیز چندین مرتبه کتك خورد، شب همان روز یکی از نوکرهای مرا مردم در کوچه شناخته او را سنك باران کردند وفریاد میکشیدند که این نوکر یکی‌ازآن فرانسویان پدر سك است. بکشیش سفارت هم در کوچك سنك زدند(۲).»

فردای همان روز که این رفتار زشت نسبت بفرانسویان صورت گرفت تحصن و هدایای سفیر انگلیس را با جلال و شکوه تمامی وارد طهران کردند وعامه پادشاهی بسیار از انگلیسیها استقبال نمودند. انگلیسی ها با این عمل میخواستند از اهمیت و

---

۱. این شخص از افسران تهمیده و رشید ایرانی بود که در جنگهای روسیه زحمات بسیار متحمل شد و موقعی که سرجان ملکم با کشتی های جنگی بخلیج فارس آمد فتحعلی شاه او را بفرماندهی نیروئی برای جلوگیری از پیاده شدن قوای انگلیسی و باز گردانیدن نماینده انگلیس، بشیراز فرستاد. مرتیپ گاردان که از دسایس و قوه بیان انگلیسی‌ها با خبر بود بوی توصیه کرد: «فقط شرافت و حیثیت او سنه بنتیجه این‌مأموریت است و اگر او باثبات عزم وظیفه خودرا بانجام رسانه و با دشمنان معامله دوستی نکند از طرف دو دربار ایران و فرانسه مورد ستایش و مرحمت واقع خواهد شد»(ص ۹۶ کتاب گاردان). وی در ۲۵ سپتامبر ۱۷۰۸ بطهران بازگشت و کمی بعد مقام وزارت جنك را یافت و با وجود یادآوری و توصیه ای که گاردان بار نموده بود معهذا در تحت تاثیر تلقینات انگلیسی‌ها واقع شد و گاردان در بارهٔ او مینویسد: «انگلیسیها او را در حلقه مخالفین فرانسه در آوردند.» (ص ۱۱۵ کتاب گاردان).

۲ - ص ۷۷ - ۷۸ یاد داشتهای تره‌زل.

اوزلی فرانسویان کاسه باسها بخواهند که دیگر عامه ملت ایران نسبت بایشا . علاقه و توجهی ندارند .

رفته رفته تظاهرات مردم شدیدتر شد و جسارت گستاخی آنها ازمرحله بوکرها گذشته بخود فرانسویان رسیدبقسمی که در معابر نسبت بافسران فرانسوی علناً توهین و ضعاشی میشد (۱) (وانن مترجم سفارت درسفرنامه خودمینویسد:

« بتاریخ ٦ فوریه ۱۸۰۹ مطابق با ۲ ذی‌الحجه ۱۲۲۳

«عاقبت پیش صدراعظم رفتم در خصوص دشنامهائی که هرروز میدهند سخت اعتراض کردم وبارگفتم که اگر جلو این ترتیب گرفته نشود ازآن مخاطراتی تولید خواهد شد که نه پیش بینی آنها ممکن است و نه جلوگیری از آنها . صدر اعظم از این حادثه فوق العاده متأثر شدو حکم کرد که چهار تفنگدار باصاحبمنصبان در کوچه همراه باشند تا اگر کسی مانع عبور ایشان شود آنهارا دفع کنند . بعد گفت که این قبیل حوادث که هر روز تجدید میشود علامت وقایع ناگواری است که باید جلو آنها را گرفت وآن یك راه بیش ندارد و در آخر نطق خود بمن گفت که شاه مصمم شده است که بیش ازاین ترتیب کاروان راهمطل نکند بنابراین خوبست که ترتیب تهیه مقدمات سفر خود رابدهید وبرای ملاقات شاه فردا بیایید»(۲)

این ملاقات صدراعظم ایران ومترجم سفارت فرانسه تکلیف قطعی هیأت مستشاران فرانسوی وتصمیم دولت ایران راتعیین و روشن کرد که میباید رخت سفر ببندند و جای خودرا بعد از دوسال و سه ماه مقاومت بنمایندگان انگلیسی بدهند . بنابراین اقدامات و تحریکات انگلیسی ها مؤثر واقع شد وشاه باورودهیأت نمایندگی انگلیس موافقت کرد . با این نحو افسران فرانسوی مجبور شدند ایران را ترك کنند وجای خویش را بافسران انگلیسی واگذار نمایند .

بالاخره در ۲٦ ذی‌حجه ۱۲۲۳ (۱۲ فوریه ۱۸۰۹) سرتیپ کاردان وافسران فرانسوی برای تحصیل اجازه مرخصی ومراسم توديع در قصر گلستان بحضور فتحعلیشاه بار یافتند . (۳) در این ملاقات ازافسران فرانسوی ترهزل ، فابویه ، ربول وتروی‌لبه

---

۱ - کار این رفتارها بجائی رسید که یك روز که افسران فرانسوی درمنزل سرتیپ کاردان بوده اند ایرانیها اسبهای ایشان را سوار شده بودند و ترهزل در این خصوص مینویسد : « این شوخی زشت علامت دیگری بود از خیالات بد دولت ومردم نسبت به هیئت مأمورین فرانسوی » (صفحه ۷۹ کتاب یادداشتهای ترهزل).

۲ - ص ۱۸۷ کتاب کاردان .

۳ - شرح این ملاقات تأثر آور را ترهزل مشروحاً نوشته و در کتاب کاردان ضبط است .

حضور داشتند . (۱)

فردای آن روز هیات سفارت فرانسه از طهران عزیمت کردند (۲۷ ذی حجه) و روز بعد هیات نمایندگی انگلیس باد دم ودستگاه» خبره کننده‌ای وارد طهران شدند. ولی تحریکات انگلیسی‌ها تالحظات آخرین هم که فرانسویان در خاك ایران بودند کار خود را میکرد چنانکه در تبریز نیز چند بار نوکر های فرانسویان راکتك زده مجروح کردند .

سر بسر گاردن درحضور محمدشاه

بدین نحو ، فشون جدید ایران بدلائلی سیاسی مبتنی بر نظریات فرانسویان تشکیل شد و بر اثر تغییر سیاست آنها و رقابت انگلیسی ها بی سر پرست ـ ماندو جنك‌های ایران و روس هم که اساساً بخاطر آن این نظام جدید بوجود آمده بود ، تمام نشد .

۱ـ وردیه ولامی در این موقع در تبریز بودند ، بن تان و بیانکی دادا بماموریت پاریس رفته بودند ، برنار هم که درهمان بادی امر فوت شده بود .

فصل چهارم

اسران انگلیسی

۱ ـ عهد نامه موقتی :

هیأت سرتیپ گاردان‌بالاخره باتفصیلی که در مبحث پیش دیدیم در ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۳ قمری (۱۳ فوریه ۹ ۱۸ مسیحی) ازطهران‌خارج شدندوروز بعد سرهارفرد جونز با هیأت سفارت انگلیسی بطهران ورود کرد که شصت نفر سرباز وعده‌ای‌افسر همراه داشت (۱) . درسرهارفرد جونز ازطرف دولت متبوع‌خود مامور بودقرار دادی با دربار ایران منعقد نماید که بموجب آن مبانی‌مصالح‌آن دولت که تا این‌موقع‌بواسطه وجود فرانسویها در ایران ، مورد تهدید ومخاطره بود ، تأمین و تحکیم شود . دولت انگلستان برای‌حصول این مقصود درنظر داشت دربارایران را تطمیع کند ومهمین‌نظر حاضر شده بودند سالیانه‌مبلغ یکصد وبیست‌هزار تومان بعنوان کمك بمخارج‌اردو کشی‌های ایران ، بدربار ایران بدهند .

این هم یکی از نقایص اخلاقی درباریان آن روز و جمعی از هموطنان ماست و بیگانگان هم در ترویج و توسعه آن سعی بسیار کرده اند ، کشورایران نیز نتیجه سوء این اخلاق ناپسند را بارها دیده است چه بیگانگان هر وقت خواسته اند نقشه‌ای را که دارند در کشور ما بمرحله عمل بگذارند « سرکیسه را قدری شل کرده‌اند » و از این عیب اخلاقی بعضی از هم‌میهنان ما سودهائی فراوان‌برده اند .

« با نهایت سرافکندگی و تأثر باید اذعان کرد که وجود همین شرط موجب شد که انگلیسیها بسهولت توانستند نیات و افکار خود را بمرحله عمل بگذارند .

سرهارفرد جونز مأمور بود در باب این وجه بحکومت هندوستان مراجعه کند ولی چون هنگامی که از انگلستان بسوی ایران می‌آمد فرمانفرمای هندوستان‌راملاقات نکرده بود و فرمانفرمای هندوستان از این رفتار او رنجیده خاطر شده بودازواگذاری پول باو امتناع کرد و در اجرای‌دستور دولت انگلستان سرجان ملکم را بابول روانهٔ ایران نمود و او چند روزی پس از هارفرد جونز بطهران ورود کرد .

---

۱ ـ کنت الفرد دو گاردان در مقدمه یاد داشتهای پدرش ، ورود این هیأت را چند روز بعد از رفتن هیأت فرانسوی ضبط کرده است . (رجوع شود ص ۳۲ کتاب سرتیپ گاردان) .